

شرکت سیاحتی و توریستی اخگر
Akhgar
 Travels and Tours Company
 شماره‌های تماس: ۰۷۹۴۱۹۶۷۶۷ / ۰۷۰۰۷۴۵۴۱۹
 آدرس: چهارراهی انصاری، پهلوی
 انصاف هتل، کابل، افغانستان
 Email: akhgartravels@gmail.com
 نمایندگی: سرای شمالی

SERVICES

International and Domestic Flight Tickets
 Business and Touring Visa Services
 Rent Car Services
 Travel and Tour Services
 Hotel Reservation Services
 Travel and Health Insurance
 Cargo Services
 Western UNION Send and Receive Services
 Money Order Services
 Money Exchange

خدمات

تکتهای داخلی و خارجی خویش را
 با نازلترین قیمت به دست بیاورید
 ✓ فروش تکتهای داخلی و خارجی
 ✓ اخذ ویزه دومی و سایر کشورها
 ✓ ترتیب پروگرامهای تفریحی
 ✓ خدمات اخذ ویزه زیارتی، سیاحتی و تجارتي
 ✓ ریزرویشن هتل و مسکن در تمام دنیا
 ✓ بیمه صحتی و سفری (افغان گلوبل)
 ✓ سهولت لوزستیکی و اکملاتی کارگو
 ✓ خدمات WESTERN UNION
 ✓ خدمات حواله
 ✓ خدمات صرافتی



727 Monday 08 Dec, 2014 Year 03 Price: 10 Af قیمت: ۱۰ افغانی سال سوم ۱۷ قوس، ۱۳۹۴ دو شنبه ۲۲۷

کانادا: کمک ما برای بهبود وضعیت زنان افغان دوامدار خواهد بود



ص ۱

امریکا لطیف محسود را به پاکستان تحویل داد



ص ۱

عقب‌گرد در افغانستان



ص ۱

حسادت، تهدید جدی برای سلامت روان



ص ۱

کریستیانو دنیا را حیرت‌زده کرد



ص ۱

مجلس سنا:

بودجه‌ی سال مالی ۱۳۹۴ غیر متوازن است



صفحه ۲

صفحه ۳

وعده‌ها به زنان افغانستان، نوشته‌ی روی یخ زیر آفتاب



شکریه بارکزی زمانی که هدف بمب‌گذار انتحاری قرار گرفت، چیزهای دیگری در سر داشت. وی می‌گوید: «من روز پرمشغله‌ای را پیش‌رو داشتم و در مورد چیزهایی که باید انجام می‌دادم، فکر می‌کردم». این عضو رگ و راست مجلس نمایندگان، در راه رفتن به دفتر کارش بود. زمان در حال گذر بود و داشت ناوقت می‌شد و او دلوپس رسیدن به دفتر کارش بود؛ جایی که گروهی از دانشجویان دانشگاه انتظار دیدن او را می‌کشیدند. پس از آن او با زانی ملاقات داشت که مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودند و سپس قرار بود در مورد پیش‌نویس توافق‌نامه‌ی دوجانبه‌ی امنیتی سخنرانی کند. موتری به‌شدت با موتر ضدگلوله‌ی او برخورد کرد و حمله‌کننده که واسکت انتحاری بر تن داشت، مواد انفجاری‌اش را منفجر ساخت. بارکزی به‌یاد می‌آورد: «برای یک دقیقه، فکر می‌کردم خواب می‌بینم». اما بوی موی سوخته، به او چیز دیگری گفت.

او از سه سوء قصد دیگری به جانش، جان سالم به‌در برده بود. در آخرین حمله، خراش‌هایی بر او وارد آمده بودند؛ اما او قادر بود از محل حادثه دور برود. بارکزی نمی‌داند که آیا همیشه این قدر خوش‌شانس است یا نه؛ اما این فعال حقوق زن از بسترش در شفاخانه، جایی که سوختگی‌ها و زخم‌هایش...

صفحه ۴

صنعت جنگ و راهبرد خردمندان برای بیرون‌رفت



جنگ ریشه در چه دارد؟ عامل ایجاد و تشدید جنگ در کشور چیست؟ و چرا جنگ در کشور بیش از آن‌که ضرورت باشد، طولانی شده است؟ هزینه‌ی جنگ از داخل تمویل می‌شود یا از خارج؟ برای این‌که به همه‌ی این پرسش‌ها جواب قانع‌کننده‌ی بیابیم، ضرورت است آن را ریشه‌یابی نماییم.

جنگ در افغانستان ریشه در تاریخ این سرزمین دارد و حکمرانان کشور همیشه برای حفظ قدرت خویش، چه در داخل و چه در خارج قلمرو کشور، به جنگ متوسل شده‌اند. کمتر زمامداری در تاریخ این کشور را می‌توان سراغ کرد که به جنگ متوسل نشده باشد و حکومت‌داری را بر اساس رفاه اجتماعی و رشد و توسعه‌ی کشور بنا گذاشته باشد. اما جنگ‌های اخیر به‌نحوی پس از موفقیت کودتای داوودخان و سرکوب جوانان مسلمان طرفدار اخوان المسلمین آغاز شدند. هرچند این جنگ در زمان حکومت داوودخان نه ادامه یافت و نه نیروی چندانی گرفت؛ ولی زمینه را برای مداخله‌ی شوروی فراهم کرد که از بدو ایجادش در پی آن بود که نیرویی را برای رسیدن به اهدافش به‌دست آورد. مخالفت داوودخان با جوانان مسلمان طرفدار اخوان المسلمین مصر، با حمایت پرچمی‌های طرفدار شوروی وقت، زمینه‌ی فرار رهبری این نیروها را به پاکستان فراهم کرد و زمانی که نیروهای طرفدار شوروی وقت فرصت کودتا بر رژیم داوودخان...

اطلاعات روز	
	
دو شنبه	
۱۷ قوس	
۱۳۹۳	
سال سوم	
شماره ۷۲۷	
	

یادداشت روز

رویکرد

تازه‌ی افغانستان در مناسبات منطقه‌ای و روند مصالحه

.....*کج* هادی صادقی

حکومت وحدت ملی در اکثر موارد عرصه‌های داخلی و خارجی با رویکرد متفاوت از حکومت قبلی وارد شده است و به همین خاطر، ضمن این‌که مناسبات داخلی و خارجی افغانستان را دگرگون کرده، بر معادلات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز اثر گذاشته است. در عرصه‌ی خارجی، رییس‌جمهور غنی در نخستین روزهای کسب قدرت، رابطه‌ی کشورش با ناتو و ایالات متحده‌ی امریکا را بازتعریف و با امضای موافقت‌نامه‌های امنیتی با ناتو و ایالات متحده‌ی امریکا، بنای فصل تازه‌ای از همکاری استراتژیک افغانستان با متحدان غربی‌اش را گذاشت. این اقدام بر ذهن سیاست‌مداران و استراتژیست‌های نظامی در امریکا و اروپا نیز اثر گذاشت و آن‌ها را به تغییر رویکردشان نسبت به افغانستان ترغیب کرد. به تعقیب این اقدام دولت افغانستان، باراک اوباما مأموریت جنگی سربازان امریکایی در افغانستان را تا یک سال دیگر تمدید کرد و به آن‌ها دستور داد تا در موارد مشخص به نبرد نظامی علیه تروریست‌ها بپردازد و نیروهای امنیتی افغانستان را در عملیات‌های جنگی حمایت و پشتیبانی هوایی کند.

افزون بر آن، امضای این موافقت‌نامه‌ها سبب تعهدات درازمدت چشم‌گیر امریکا و ناتو در کنفرانس لندن شد. امریکا در این کنفرانس وعده داد که سقف کمک‌هایش را پس از سال ۲۰۱۵ نیز در افغانستان حفظ می‌کند و دیگر اعضای ناتو نیز هر کدام تعهدات کمک‌های نظامی و اقتصادی‌شان را برای افغانستان در ده سال آینده تجدید کردند. اکنون افغانستان با ایالات متحده‌ی امریکا و ناتو در فصل جدید همکاری‌های استراتژیک مسیر تازه‌ای را در پیش گرفته که چشم‌انداز روشن و امیدوار کننده‌ای را نوید می‌دهد. در حالی که در رابطه‌ی کج‌دار و مریض حکومت رییس‌جمهور کرزی با امریکا و ناتو، قطع همکاری‌های آن‌ها به افغانستان یک نگرانی جدی بود. در عرصه‌ی منطقه‌ای، رابطه‌ی افغانستان با چین وارد مرحله‌ی تازه‌ای شد. سفر رییس‌جمهور غنی به پکن، منجر به تعهدات قوی کمک‌های مالی چین به افغانستان شد. این کشور بسته‌ی کمک اقتصادی بی‌پیشینه‌ای برای افغانستان وعده داد و برای نخستین بار از علاقه‌مندی‌اش برای کمک به پروسه‌ی مصالحه خبر داد. رییس‌جمهور غنی با تشریح دیدگاه دولتش برای اقتصاد و تجارت منطقه، حمایت قاطع چین را به‌دست آورد و این کشور را در حلقه‌ی اصلی معادله‌ی منطقه‌ای افغانستان شامل کرد. اکنون به نظر می‌رسد که چین پس از این در نقش بازیگر قوی عرصه‌ی جنگ و صلح افغانستان وارد شود و نقشی را که پیش از این امریکا، ناتو و پاکستان در افغانستان ایفا می‌کردند، پس از این پکن بازی کند.

در خصوص پاکستان نیز رویکرد افغانستان نسبت به حکومت قبلی تغییر کرد. آقای غنی پس از اصرار و تقاضای مداوم مقام‌های پاکستان، به این کشور سفر کرد و به‌جای این‌که در اسلام فرود آید و با رییس‌جمهور و نخست‌وزیر این کشور دیدار کند، به راولپندی رفت و با رییس ارتش این کشور ملاقات نمود. به نظر می‌رسد که این امر ناشی از درک متفاوت آقای غنی از سیاست عملی پاکستان است. تحولات ده سال گذشته نشان می‌دهند که هنوز هم نظامیان تعیین کنندگان اصلی سیاست خارجی پاکستان اند و برای ایجاد تغییر در رویکرد پاکستان در قبال افغانستان، باید ذهنیت نظامیان این کشور را تغییر داد.

رویکرد دولت افغانستان در پروسه‌ی مصالحه نیز تغییر خواهد کرد. رییس‌جمهور غنی روز گذشته در کنفرانس مطبوعاتی مشترکش با وزیر دفاع امریکا گفت که نقشه‌ی صلح قبلی افغانستان نتیجه نمی‌دهد و باید طرح تازه‌ای در این خصوص ساخت. رهبران حکومت وحدت ملی، تجربه‌ی ده سال گذشته‌ی افغانستان، خصوصاً پروسه‌ی صلح را پیش‌روی خود دارند. مطالعه‌ی این پروسه می‌تواند افغانستان را در ساختن طرح معقول و مؤثر برای رسیدن به صلح و ترتیبات منطقه‌ای افغانستان کمک کند.

اطلاعات روز: شماری از اعضای مجلس سنا می‌گویند که در بودجه‌ی ملی سال مالی ۱۳۹۴ توازن در نظر گرفته نشده است. به باور آنان، طرح این بودجه از سوی افراد غیرمسلمکی تنظیم شده که در آن خواست‌های شخصی نیز دخیل اند. محمد علم ایزدیار، معاون اول مجلس سنا گفت که عدم توازن در بودجه‌ی ملی سال مالی ۹۴ به وفور دیده می‌شود. او افزود که در این بودجه، بودجه‌های انکشافی شماری از ولایت‌های کشور

صفر است. ایزدیار این اظهارات را دیروز هنگام فراخوانی سرپرست وزارت مالیه برای بحث روی بودجه‌ی ملی سال مالی ۱۳۹۴، در مجلس سنا بیان کرد. شماری از اعضای مجلس سنا در این نشست تأکید کردند که بودجه‌ی سال مالی ۱۳۹۴ پر از اشتباه و غیرعادلانه است. آنان از سرپرست وزارت مالیه خواست که در این زمینه پاسخ دهد. در همین حال، احمد شفیق قاری‌زاده، معین پالیسی و سرپرست وزارت مالیه در پاسخ

به سوال‌های اعضای مجلس سنا، هرنوع دخالت سلیقه‌ی شخصی در بودجه‌ی ملی ۹۴ را رد کرد و گفت که طرح این بودجه بر اساس امکانات و پول موجود، ترتیب و تنظیم شده است. او در مورد این‌که در بودجه‌ی انکشافی ولایت‌ها توازن در نظر گرفته نشده، افزود، پول در خزانه‌ی دولت وجود ندارد و به همین دلیل، در بودجه‌ی انکشافی اختیاری، پروژه‌ی جدیدی برای هیچ ولایت در نظر گرفته نشده است. او افزود که برای پروژه‌های

امریکا لطیف محسود را به پاکستان تحویل داد

سالارزی، سخنگوی رییس‌جمهور اشرف غنی به بی‌بی‌سی گفت، آقای محسود در زندان تحت کنترل دولت افغانستان نبود و اکنون کابل در صدد جمع‌آوری اطلاعات بیشتر در این زمینه است. لطیف محسود که معاون تحریک طالبان پاکستان بود، در ماه عقرب سال گذشته، طی عملیات مشترک نیروهای امنیتی در لوگر بازداشت شد. به‌دنبال آن، یکی از مقام‌های حکومتی دوران حامد کرزی، رییس‌جمهور سابق

روند مشارکتی نداشته است. این اقدام بعد از مشوره با پاکستان و دریافت اطمینان لازم از این کشور انجام شده است. در خبرنامه‌ی مذکور آمده است که نیروهای امریکایی پرونده‌های این افراد را به‌دقت بررسی کرده و از پاکستان اطمینان حاصل نموده که با آنان مطابق قانون امریکا و بین‌المللی برخورد شود. این زندانیان پاکستانی در پایگاه نظامی بگرام نگهداری می‌شدند. با این حال، نظیف‌الله

اطلاعات روز: مقام‌های پاکستانی می‌گویند که نیروهای امریکایی مستقر در افغانستان، لطیف محسود، فرمانده ارشد طالبان پاکستانی را همراه سه زندانی دیگر، به حکومت این کشور تحویل داده‌اند. نیروهای امریکایی در کابل نیز با نشر خبرنامه‌ای این خبر را تأیید کرده و گفته‌اند که این افراد به روز شنبه هفته‌ی روان به پاکستان تحویل داده شده‌اند.

بر اساس این خبرنامه، دولت افغانستان در این

کانادا: کمک ما برای بهبود وضعیت زنان افغان دوام‌دار خواهد بود

این کشور برای بهبود زندگی و فرصت‌های افغان‌های آسیب‌پذیر، به‌ویژه زنان و دختران را یک‌بار دیگر تجدید کرده است.
پرادیس می‌گوید، این اعلام تعهدات کشورش را که در سال ۲۰۱۲ در نشست توکیو برای کمک با افغانستان به منظور برآورده شدن اهداف درازمدت کرده بود، تجدید می‌کند: او افزوده است، برای توسعه و تقویه دست‌آورده‌های یک دهه‌ی گذشته در افغانستان، کانادا به ایفای نقش مهم خود در حمایت از تلاش‌ها در راستای یک آینده‌ی بهتر برای تمام افغان‌ها، ادامه می‌دهد.

در خبرنامه آمده است، تلاش‌های کانادا در قسمت بهبود وضعیت زنان و دختران افغان از طریق سرمایه‌گذاری در بخش‌های معارف، صحت مادران، نوزادان و اطفال و هم‌چنان حقوق و توان‌مندی زنان و دختران ادامه می‌یابد. بر اساس خبرنامه، برای تجدید این تعهدات، کانادا به حمایت خود از کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به‌خاطر تلاش‌های این کمیسیون در بهبود و دفاع از حقوق بشر در نهادهای آن کشور، به‌شمول محاکم، پولیس، مکاتب و جامعه‌ی مدنی، ادامه می‌دهد. وزیر پرادیس می‌گوید، کانادا برای بهبود و

وزارت صحت عامه: ۲۸ هزار رضاکار صحن در کشور فعالیت دارند

کرده‌اند. به گفته‌ی آنان، رضاکاران صحن در مناطق دوردست و ناامن کشور با امکانات و امتیازهای ناچیز فعالیت دارند. ناامنی از مشکلات دیگر فراراه رضاکاران صحن در شماری از ولایت‌های کشور خوانده شده است. در جریان ۱۳ سال گذشته در بخش عرضه‌ی خدمات صحن ده‌ها میلیون دالر به افغانستان کمک شده؛ اما در مناطق دوردست کشور هنوز خدمات صحن به‌طور درست عرضه نشده است. شهروندان از وزارت صحت عامه و جامعه‌ی جهانی می‌خواهند که به مشکلات صحن مردم، به‌ویژه در مناطق دورافتاده‌ی کشور رسیدگی کنند.

احتمال ایجاد یک مرکز آموزشی پولیس برای زنان

تربیت زنان پولیس در افغانستان، حمایت می‌کند. او می‌گوید که همکاری پولیس اتحادیه‌ی اروپا با پولیس افغانستان در بخش‌های گوناگون در سال‌های آینده نیز ادامه خواهد داشت. پولیس اتحادیه‌ی اروپا در افغانستان، از چند سال به این‌سو، پولیس ملی کشور را در بخش‌های گوناگون، به‌ویژه در بخش آموزش، جنسیت و حقوق بشر مورد حمایت قرار داده است.

طالبان پاکستانی در ولایت کنر مورد هدف قرار گرفتند

اما چنین اتهام‌ها مشکلات موجود را حل نتوانسته و هنوز به آن افزوده است. ولی اخیراً حکومت جدید فصل جدیدی از روابط با پاکستان را آغاز کرده است. اشرف غنی چندی پیش به اسلام‌آباد رفت و در این سفرش، روی مسایل امنیتی و مقابله با شورشگری با مقام‌های پاکستان گفت‌وگو کرد.

پرتاب بمب دستی بر محفل عروسی، چهار کشته برجا گذاشت

تا کنون فرد یا گروهی مسئولیت این رویداد را بر عهده نگرفته است. اما اکثر این‌گونه حملات در کشور، به‌ویژه در ولایت‌های شمالی، در نتیجه‌ی بروز خصومت‌های خانوادگی و شخصی رخ می‌دهند. چندی پیش نیز انفجاری در یک محفل عروسی در ولسوالی مرکزی ولایت بغلان رخ داد که بر اثر آن هشت تن زخمی شدند.

پس از چاشت شبیه در منطقه‌ی لډو دره‌ی شلتن ولسوالی شیکل ولایت کنر گردهم آمده بودند که مورد یک حمله‌ی هوایمپی بدون سرنشین امریکا قرار گرفتند. سیدخیلی تأکید کرد که این طالبان در بیش‌تر حملات در این ولایت با طالبان افغانی همکاری کرده‌اند. او افزود که در این حمله به غیرنظامیان آسیبی نرسیده است.

اطلاعات روز: مقام‌های امنیتی ولایت بلخ در شمال کشور می‌گویند، بر اثر پرتاب چند بمب دستی بر یک محفل عروسی در این ولایت، چهار تن کشته و ده‌ها تن دیگر زخمی شدند. عبدالرزاق قادری، سرپرست فرماندهی پولیس این ولایت دیروز به رسانه‌ها گفت که این رویداد شب شبیه هفته‌ی روان در ولسوالی چمتال ولایت بلخ رخ

اطلاعات روز: مقام‌های امنیتی ولایت بلخ در شمال کشور می‌گویند، بر اثر پرتاب چند بمب دستی بر یک محفل عروسی در این ولایت، چهار تن کشته و ده‌ها تن دیگر زخمی شدند. عبدالرزاق قادری، سرپرست فرماندهی پولیس این ولایت دیروز به رسانه‌ها گفت که این رویداد شب شبیه هفته‌ی روان در ولسوالی چمتال ولایت بلخ رخ

نوشته‌ی روی یخ زیر آفتاب

فعالان حقوق زن که تحت محافظت نیروهای خارجی قرار داشته‌اند، با خروج ناتو به شکل روزافزون در برابر حملات آسیب پذیر می‌شوند؛ اما آن‌ها به مبارزه‌ی شان ادامه می‌دهند.

منبع: گاردین

نویسنده: می جئونگ

برگردان: حمید مهدوی



نیلوفر ابراهیمی، یکی از ۶۹ عضو

زن پارلمان افغانستان است، که

مسئولیتش تبدیل شده است. او،

به عنوان مشهورترین سمبول

پیشرفت غربی، آسیب پذیرترین

نیز است. به دلیل این که آزادی

زنان برای کمک به توجیه

تهاجم ۲۰۰۱ مناسب بود،

آخرین نوع حقوق زنان به شکل

جدایی ناپذیری با ارزش‌های غربی

پیوند داده شده است.

تخیل نفوذ غرب

نیلوفر ابراهیمی، یکی از ۶۹ عضو زن پارلمان افغانستان

است، که مسلماً قابل رویت‌ترین مظهر

بین‌المللی در نهادینه ساختن برابری جنسیتی اند.

ابراهیمی با حمایت بین‌المللی رشد کرد؛ اما نیروهای خارجی

به بزرگ‌ترین مسئولیتش تبدیل شده است. او، به عنوان

مشهورترین سمبول پیشرفت غربی، آسیب‌پذیرترین نیز

است. به دلیل این که آزادی زنان برای کمک به توجیه

تهاجم ۲۰۰۱ مناسب بود، آخرین نوع حقوق زنان به شکل

جدایی ناپذیری با ارزش‌های غربی پیوند داده شده است.

ابراهیمی به‌تازگی تلاش‌هایش به منظور انتخاب

دوپاره‌اش به عنوان عضو مجلس از یکی از دورافتاده‌ترین

والسوالی‌ها در شمال کشور را آغاز کرده است. اما بدون

میلیون دالری را برای حمایت از ابتکار عمل‌های رهبری

زنان راه‌اندازی کرد. با این وجود، محفوظه فولاد، مدیر

یک سازمان کمکی غیردولتی که بیش‌تر زنان به حاشیه

رانده شده را حمایت می‌کند، می‌گوید که این احساس که

همه‌چیز به عقب برمی‌گردد، بیش‌تر جلب توجه می‌کند.

فولاد در طول یک هفته دریافت که دو تمویل کننده‌اش

افغانستان را ترک می‌کنند، این یعنی از دست دادن صدها

هزار دالر. وی می‌گوید: «من واقعا تکان خوردم». «ما گیج

هستیم. نمی‌دانیم (با این وضع) چه کار کنیم».

این تغییر به آن معنا است که اگر تمویل کننده‌ی دیگری

پیدا نشود، دو درمانگاه کمک‌های حقوقی، که به هزاران

زن مشاوره‌ی رایگان داده‌اند، بسته خواهند شد. فولاد

می‌گوید که مهم‌ترین خدمتی که آن‌ها ارائه می‌دهند،

حمایت از زنانی است که به دنبال طلاق اند.

به دلیل فقدان تضمین‌های قانونی و وجود ننگ، طلاق در افغانستان نادر است. درمانگاه‌های فولاد به زنان کمک می‌کنند تا برای دسترسی به کودکان‌شان، مبارزه کنند. دفتر کابل، که در سال ۲۰۰۹ افتتاح شده است، به بیش از ۶۰۰۰ زن کمک کرده است. در این دفتر، سه مشاور حقوقی که همه زنانی بین ۲۰ تا ۳۰ ساله اند، پشت پُشته‌های پرورده‌ها نشسته‌اند و به‌شدت پرورده‌های موکلین‌شان را رونویسی می‌کنند.

گل غوثی منتظر است وکیلش را ببیند. او توضیح می‌دهد که شانزده سال قبل شوهرش با گفتن «طلاق می‌دهم، طلاق می‌دهم، طلاق می‌دهم» و همین‌طور، چگونگی او را طلاق داد. او از آن زمان تا کنون برای دیدن کودکانش مبارزه کرده است. وی می‌گوید: «من تنها هستم. به استثنای این‌جا، کسی کمک نمی‌کند.» «این‌جا مهربانی وجود دارد».

با این وجود، پرداخت بالاترین قیمت توسط فعال حقوق زن در افغانستان، که قبلاً این زنان تحت محافظت نیروهای خارجی در کشور قرار داشتند، با گذشت هر روز محتمل‌تر می‌شود. حمایت بین‌المللی از زنان، به آن‌ها مشروعیت و قدرت ویژه‌ای داده بود؛ اما بسیاری‌ها می‌گویند که این وضع در حال تغییر است.

عقب‌گرد، همین اکنون در راه است و ادامه دارد. سهمیه‌ی نماینده‌های زن در شوراهای ولایتی از ۲۵ درصد به ۲۰ درصد کاهش یافته است. قانون محو خشونت علیه زنان در پارلمان رای پایین گرفت. یک گزارش گروه بین‌المللی بحران در سال ۲۰۱۳ دریافت که با خروج نظامیان خارجی، «حملات شورشیان بر قانون‌گذاران طرفدار زن و مقام‌های ارشد زن، افزایش یافته‌اند». خبر کشتن زنان و دیگر خشونت‌ها علیه آن‌ها، صفحات روزنامه‌ها را پر کرده است.

کمک‌کننده‌ها اصرار دارند که به حمایت‌شان از حقوق زنان متعهد می‌مانند. این موضوع یکی از زمینه‌های اصلی‌ای است که در کنفرانس لندن روی آن تمرکز شد. اسلو، میزبان نشست در مورد این مسئله در اواخر ماه نوامبر بود و اداره توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده، صندوق ۲۱۶

شکره‌بارکزی زمانی که هدف بمب‌گذار انتحاری قرار گرفت، چیزهای دیگری در سر داشت. وی می‌گوید: «من روز پرمشغله‌ای را پیش‌رو داشتم و در مورد چیزهایی که باید انجام می‌دادم، فکر می‌کردم».

این عضو رک و راست مجلس نمایندگان، در راه رفتن به دفتر کارش بود. زمان در حال گذر بود و داشت ناوقت می‌شد و او دلوپس رسیدن به دفتر کارش بود؛ جایی که گروهی از دانشجویان دانشگاه انتظار دیدن او را می‌کشیدند. پس از آن او با زنانی ملاقات داشت که مورد آزار و اذیت قرار گرفته بودند و سپس قرار بود در مورد پیش‌نویس توافق‌نامه‌ی دوجانبه‌ی امنیتی سخنرانی کند. موتوری به‌شدت با موتر ضدگلوله‌ی او برخورد کرد و حمله کننده که واسکت انتحاری بر تن داشت، مواد انفجاری‌اش را منفجر ساخت. بارکزی به‌یاد می‌آورد: «برای یک دقیقه، فکر می‌کردم خواب می‌بینم». اما بوی موی سوخته، به او چیز دیگری گفت.

او از سه سوء قصد دیگری به جان‌ش، جان سالم به‌در برده بود. در آخرین حمله، خراش‌هایی بر او وارد آمده بودند؛ اما او قادر بود از محل حادثه دور برود. بارکزی نمی‌داند که آیا همیشه این قدر خوش‌شانس است یا نه؛ اما این فعال حقوق زن از بسترتش در شفاخانه، جایی که سوختگی‌ها و زخم‌هایش درمان می‌شد، گفت، «تصمیم گرفتم هرگز تسلیم نشوم». «با خوشحالی برای ارزشی که به آن باور دارم، خواهم مرد».

با این وجود، پرداخت بالاترین قیمت توسط فعال حقوق زن در افغانستان، که قبلاً این زنان تحت محافظت نیروهای خارجی در کشور قرار داشتند، با گذشت هر روز محتمل‌تر می‌شود. حمایت بین‌المللی از زنان، به آن‌ها مشروعیت و قدرت ویژه‌ای داده بود؛ اما بسیاری‌ها می‌گویند که این وضع در حال تغییر است.

عقب‌گرد، همین اکنون در راه است و ادامه دارد. سهمیه‌ی نماینده‌های زن در شوراهای ولایتی از ۲۵ درصد به ۲۰ درصد کاهش یافته است. قانون محو خشونت علیه زنان در پارلمان رای پایین گرفت. یک گزارش گروه بین‌المللی بحران در سال ۲۰۱۳ دریافت که با خروج نظامیان خارجی، «حملات شورشیان بر قانون‌گذاران طرفدار زن و مقام‌های ارشد زن، افزایش یافته‌اند». خبر کشتن زنان و دیگر خشونت‌ها علیه آن‌ها، صفحات روزنامه‌ها را پر کرده است.

کمک‌کننده‌ها اصرار دارند که به حمایت‌شان از حقوق زنان متعهد می‌مانند. این موضوع یکی از زمینه‌های اصلی‌ای است که در کنفرانس لندن روی آن تمرکز شد. اسلو، میزبان نشست در مورد این مسئله در اواخر ماه نوامبر بود و اداره توسعه‌ی بین‌المللی ایالات متحده، صندوق ۲۱۶

خبرنگار واریانسی

هادی دریایی

اتحادیه‌ی سراسری پُفیوزان!

دیشب خواب می‌دیدم که استاد پوهنتون شده‌ام. اسماعیل یون یک عینک به من هدیه ارسال کرده بود. این عینک را یک کچل به اسم بابری به دستم داد و گفت: «تحفه‌ی حضرت یون برای شما که جدیداً استاد مقرر شده‌اید. از این عینک نگاه کنید تا همه‌چیز را روشن و روشن‌تر ببینید». عینک را پوشیدم. اول به کفش‌هایم نگاه کردم. دیدم کفش‌هایم یک رقم بی‌تاب‌اند. حیران ماندم که چرا کفش‌هایم بی‌تاب‌اند که ندا آمد و گفت، کفش‌های تو هنوز سهمیه‌بندی نشده، برو کفش‌هایت را سهمیه‌بندی کن تا آرامش مطلق را در کفش‌های خویش حس کنی. بعد از کفش به شلوارم نگاه کردم، شلوارم هم عین مشکل کفش را داشت. وارخطا شدم. به گوشه‌ای رفتم، نیکرم را مشاهده فرمودم، نیکرم هم نیاز به سهمیه‌بندی داشت. به جاکت و کت و پیراهن که رسیدم، دیدم که آن‌چه را من دارم، باید سهمیه‌بندی شوند، ورنه داشته‌های من خیلی رنج خواهند کشید. به جاهای دیگر نگاه نکردم، باور کنید یک رقم ترسیده بودم، گفتم مبادا یک دفعه مشاهده کنم که مثلاً پانقراس من نیاز به سهمیه‌بندی دارد و من مجبور شوم آن آلت نازنین خویش را سهمیه‌بندی نمایم. در همین حال، صدای پای دخترانه به گوشم رسید. با خود گفتم، طرف این دختر نگاه کنم یا نکنم، تصمیم گرفتم نگاه کنم که ببینم این دختر سهمیه‌بندی شده یا نه؟ وجدانم قبول نکرد. در حالی که هنوز رو به طرف دختر نکرده بودم، از وی خواستم که خود را کمی معرفی کند. ایشان گفت، من دختر استاد پوهنتونم! پدرم می‌خواهد مرا سهمیه‌بندی کند؛ اما من جوراب ناشسته‌ام را به دهنش تخته کردم و گفتم، پدرجان احمق! اگر باز هم بخواهی مرا سهمیه‌بندی کنی، دفعه‌ی دیگری، دهانت را گدام مغز روده می‌سازم و خدا را شکر که پدرم سر عقل آمد و دست از سهمیه‌بندی من برداشت و من حالا می‌روم که این وضعیت را به شفاخانه‌ی روانی‌های کابل گزارش بدهم.

دلم خوش شد! رویم را طرف آن دختر کردم و دیدم وی شدیداً نیاز به سهمیه‌بندی دارد. گفتم، دختر استاد پوهنتون هم که باشی، نیاز به سهمیه‌بندی داری! مخصوصاً که حالا اتحادیه‌ی سراسری استادان پوهنتون افغانستان از طرح سهمیه‌بندی اعلام حمایت کرده. استادان باید اول از خانواده‌های خود شروع کنند تا قناعت مردمان دیگر را به‌دست بیاورند. به او گفتم که نباید به استادان پوهنتون پشت کنی؛ استادان پوهنتون، مظهر خرد و دانش این مملکت اند. حتماً خیر عظیمی در این سهمیه‌بندی نهفته است که تو نمی‌بینی. ازش خواهش کردم که برگردد و آن جوراب کثیفش را از دهن مبارک و مجهز به دانش پدر خود بیرون کرده و دهانش را با آب گلاب بشوید تا پروسه‌ی ارائه‌ی خدمت به خلق افغانستان لنگ نشود. اما امان از دست این دختران! قبول نکرد. فوراً یک چیز ناشسته و چتل را پیدا کرد و می‌خواست به دهن من فرو کند که از خواب بیدار شدم. به چشمانم دست کشیدم، دیدم عینک ارسالی حضرت یون واقعیت ندارد. خدا را شکر کردم که استاد پوهنتون نشده‌ام و هنوز آدمم! با خود فکر می‌کردم که چرا باید چنین خوابی ببینم؟ یادم آمد که اتحادیه‌ی سراسری استادان پوهنتون‌های افغانستان از طرح سهمیه‌بندی کانکور حمایت کرده است. البته نه همه‌ی استادان، بلکه یک مقدار زیاد آن‌ها! همان لحظه از خداوند کریم تمنا کردم که خدایا! اصلاح می‌کنی یا خودم بروم همه را کاغذ تشناب بسازم؟! بیخشیدم، کمی احساساتی شده‌ام. شما هم باشید، احساساتی می‌شوید. تو را به خدایا، تو را به قرآن، تو را به پیامبر و پیر، تو را به هر چیزی که اعتقاد داری قسم! این سهمیه‌بندی کانکور منطقی است؟ نه، اصلاً آدم اگر یک درصد هم آدم باشد، با چنین طرحی موافق است؟ چرا؟ شنیده‌اید که بالای ۷۰ درصد دارایی‌های افغانستان به جیب ۲۰ درصد نفوس کشور می‌رود؟ خبر دارید که طرح سهمیه‌بندی کانکور جزو همین بیست درصد است که بالای هفتاد درصد ثروت کلی را به جیب می‌زند؟ گیریم که استادان پوهنتون جزو این بیست درصد نباشند، ولی عقل که دارند! آیا این مسئله در ذهن مبارک دانشمندان عصر خطور کرده؟ منظورم از دانشمندان عصر، همین استادان موافق با سهمیه‌بندی کانکور است. مسلماً که نکرده. این‌ها اگر ذهن می‌داشتند و اندکی هم دانش، منطق این طرح را به چالش می‌کشیدند و به طراح گردن کلفت آن که وزارت تحصیلات عالی را به لجن‌زار بدل کرده، می‌گفت که «عاقلاً! بیا از خیر این چتلی بگذر!» ولی دیدیم که بالاخره اتحادیه‌ی استادان پوهنتون، از این طرح حمایت کرد، هرچند که مطمئنم تعداد زیادی از استادان پوهنتون با طرح مذکور مخالف بوده‌اند. نمی‌دانم چرا همه در افغانستان با دانش و تحصیل دشمنی دارند. برادران این استادان در قریه‌ی خود مکتب را به آتش می‌کشند و این‌ها در پوهنتون‌ها دست از جفا و دشمنی با دانش و خرد بر نمی‌دارند. واقعا چه سری در این خصوص نهفته است؟ چرا استادان پوهنتون ما دست از فاشیزم بر نمی‌دارند؟ می‌دانم که حضور نامتناسب اقوام در عرصه‌ی تحصیلات عالی باعث می‌شود که فاشیستان زمان حتماً طرح سهمیه‌بندی کانکور را بریزند؛ اما آیا تنها راه‌حل، سهمیه‌بندی کانکور است یا دست از جنگ و خون‌ریزی برداشتن و رو آوردن به تعلیم و تحصیل؟! حالا باید دید، سردمداران حکومت وحدت ملی که داد از شایسته‌سالاری می‌زنند، به این طرح اتحادیه‌ی پُفیوزان چه واکنشی نشان می‌دهند!

اما او در ادامه کسانی را که تصور می‌کنند زنان افغانستان در فقدان حمایت غرب قادر به بقا نیستند، سرزنش می‌کند. وی می‌گوید: «مبارزه برای حقوق زنان با ورود نیروهای بین‌المللی آغاز نشد، پس با خروج آن‌ها نیز پایان نخواهد یافت». «شکل و ظاهر مبارزات ما تغییر خواهد کرد؛ اما ماهیت آن همان خواهد بود».

صنعت جنگ و راهبرد خردمندان برای بیرون رفت



عبداللهی

جنگ ریشه در چه دارد؟ عامل ایجاد و تشدید جنگ در کشور چیست؟ و چرا جنگ در کشور بیش از آن که ضرورت باشد، طولانی شده است؟ هزینه‌ی جنگ از داخل تمویل می‌شود یا از خارج؟ برای این که به همه‌ی این پرسش‌ها جواب قانع کننده‌ی بیابیم، ضرورت است آن را ریشه‌یابی نماییم.

جنگ در افغانستان ریشه در تاریخ این سرزمین دارد و حکمرانان کشور همیشه برای حفظ قدرت خویش، چه در داخل و چه در خارج قلمرو کشور، به جنگ متوسل شده‌اند. کمتر زمام‌داری در تاریخ این کشور را می‌توان سراغ کرد که به جنگ متوسل نشده باشد و حکومت‌داری را بر اساس رفاه اجتماعی و رشد و توسعه‌ی کشور بنا گذاشته باشد. اما جنگ‌های اخیر به‌نحوی پس از موفقیت کودتای داوودخان و سرکوب جوانان مسلمان طرفدار اخوان‌المسلمین آغاز شدند. هرچند این جنگ در زمان حکومت داوودخان نه ادامه یافت و نه نیروی چندانی گرفت؛ ولی زمینه را برای مداخله‌ی شوروی فراهم کرد که از بدو ایجادش در پی آن بود که نیرویی را برای رسیدن به اهدافش به‌دست آورد. مخالفت داوودخان با جوانان مسلمان طرفدار اخوان‌المسلمین مصر، با حمایت پرچمی‌های طرفدار شوروی وقت، زمینه‌ی فرار رهبری این نیروها را به پاکستان فراهم کرد و زمانی که نیروهای طرفدار شوروی وقت فرصت کودتا بر رژیم داوودخان را یافتند، وی را با تمامی اعضای خانواده‌اش به قتل رساندند و نیروهای طرفدار شوروی که از دهه‌ی پنجاه خورشیدی دل خوشی از نیروهای جوانان مسلمان طرفدار اخوان‌المسلمین مصر نداشتند، فرصت بیش‌تری یافتند تا نه تنها جوانان مسلمان، بلکه تمامی مخالفان سیاسی‌شان را از دم تیغ جلادان خویش بکشند.

این کشتار بی‌رحمانه و وسیع نیروهای مخالف شوروی وقت، اعم از نیروهای چپ، راست و میانه‌روهای ملی‌گرا، شدت گرفت و همزمان تیشه‌ی کشور همسایه با نیروهای ناراضی افغانی که از سال‌ها به حکومت رسیدن داوودخان آمادگی می‌گرفت، فرصت یافت با سلاح بیش‌تر مجهز شود و به‌صورت علنی در مقابل رژیم طرفدار مسکو مسلحانه قد علم نماید. البته کشتار مخالفان رژیم در کشور، تنها تیشه‌ی پاکستان را دسته نکرده، بلکه به کشور تازه انقلاب کرده‌ی ایران نیز فرصتی داد تا از همسایه‌اش در موضوع حفظ مناقش کوتاه نیاید. همین بود که کشور پاکستان از طریق ملاهای درباری‌اش و رهبری ایران، آیت‌الله خمینی به عنوان مرجع تقلید تشیع، رسماً در مقابل رژیم دست‌نشانده‌ی مسکو اعلام جهاد نمودند.

اعلام جهاد و مسلح شدن افراد وابسته به گروه‌های شکل گرفته در هردو کشور، منجر به اعلام جنگ رسمی در کشور شد و جنگ در سال‌های جهاد در کشور نهادینه شد. گروه‌های هفت‌گانه در پیشاور و هشت‌گانه در ایران، بیانگر رسمیت یافتن جنگ در کشور شدند. البته جنگ یک‌طرفه از جانب مسلمان‌ها نه، بلکه رژیم طرفدار مسکو پیش‌تر از نیروهای مسلمان اقدام به توسعه‌ی جنگ برای حفظ مناطق تحت کنترلش نمود. این که پیشروی و عقب‌نشینی جنگ مجاهدین و رژیم طرفدار مسکو چگونه بود، این نوشته به آن نمی‌پردازد؛ اما آن‌چه در این نوشته به آن پرداخته می‌شود، ادامه‌ی جنگ در کشور و تقویت آن از یک جنگ چریکی به یک جنگ تمام عیار و تبدیل شدن جنگ به یک «صنعت» است.

نسلی در جنگ سی ساله‌ی افغانستان پرورش یافت که کلیت توان‌مندی و بیناد فکری آنان را فقط جنگ و مسایل مربوط به جنگ تشکیل می‌داد. به عبارت دیگر، این نسل بزرگ شده در میدان جنگ، جز جنگ و توان‌مندی‌های مربوط به جنگ، از صلاحیت و توان‌مندی‌های اجتماعی و اقتصادی دیگری برخوردار نبود و نشد.

به هرصورت، پس از گذشت نزدیک به سه دهه جنگ در کشور، وارد شدن حامیان طالبان و به مبارزه طلبیدن امریکا در میدان جنگ با ناپودی برج‌های دوقلو در شهر نیویارک، بالاخره امریکا و کشورهای غربی را وادار کرد، طرفین درگیر جنگ افغانستان و مخالف طالبان را در یک مصالحه‌ی بین‌المللی برای ایجاد یک حکومت مصالحه‌ی ملی به توافق برسانند؛ طالبان را مغلوب و جنگ را در کشور فروکش دادند. هرچند جنگ در کشور به‌کلی قطع و از بین نرفت، بلکه فروکش کرد، اما دست‌اندرکاران جنگ برای مدتی جهت تدارک و بازسازی نیروها به گوشه‌های خزیدند.

نیروهایی که توان‌مندی‌شان را در جنگ یافته بودند و جنگیدن مهارت زندگی‌شان را می‌ساخت و جنگ تقریباً به منبع درآمد زندگی و معیشت‌شان تبدیل شده بود، بیکار و بی‌روزگار ماندند. این نیروها مدتی از ذخیره‌ی خویش تغذیه کردند و تعدادی از آن‌ها به نیروهای تحت پوشش دولت اسلامی افغانستان جذب شدند و تعداد دیگری هم بیرون و بی‌روزگار ماندند. دولت موقت پسا توافق بن، پس از روی کار آمدن، به اولویت‌های مردم نه، بلکه به تحکیم پایه‌های قدرت خویش توجه کرد و از بیکاری و بی‌روزگاری نسل بزرگ شده در میدان‌های جنگ، فارغ ماند. از جانب دیگر، این دولت که پس از روی کار آمدن می‌بایست به نیازمندی‌های جامعه توجه می‌کرد، اقدامات لازم برای کاهش فقر، ایجاد شغل، عرضه‌ی خدمات صحی، آموزشی و امثال آن که ضرورت یک جامعه‌ی دولت‌مدار است را فراهم می‌کرد، ولی این کار را نکرد و درگیر مسایل تقسیم قدرت گردید. نیروهای جوانان مسلمان طرفدار اخوان‌المسلمین که در جریان جهاد به نیروهای جهادی قومی تغییر تشکیلات داده بودند، بعضی به دولت پیوستند و بعضی مثل حزب اسلامی حکمت‌یار هنوز با دولت تشکیل شده در پروسه‌ی بن، نیویسته‌اند و زمینه‌ی همکاری خویش را با طالبان خلع شده از قدرت برای مخالفت با رژیم کابل به‌وجود آوردند و به ادامه‌ی جنگ رو آوردند.

حضور نیرومند نیروهای استراتژیک همسایه به عنوان حامیان مالی و پناه‌گاهی برای مخالفان دولت افغانستان با در نظرداشت عمق استراتژیک خویش در کشور، زمینه را برای تجدید نیروی مخالفان تقویت نمود و جنگ را در کشور دوباره شعله‌ور ساخت. در کنار این جنگ نیابتی همسایه، بی‌سوادی و جهالت، فساد گسترده، بی‌عدالتی در نظام قضایی کشور، بیکاری و فقر روزافزون به‌خصوص نسل بزرگ شده در جریان جنگ، زمینه‌ی مناسب برای کشت و قچاق مواد مخدر، دخیل بودن بزرگان کشور در امور غیرقانونی، چور زمین‌های دولتی، تفسیر قوانین بر اساس منافع شخصی دست‌اندرکاران امور حکومتی، دل‌سردی عامه‌ی مردم از نظام بیکاره‌ی حکومتی همه و همه زمینه‌ی رشد مخالفان را فراهم نمودند و جنگ را به یک صنعت جذب نیروهای فاقد صلاحیت و توان‌مندی تولیدی و سازندگی تبدیل کردند. اینک جنگ، صنعتی شده است که برای تقویه‌ی تجارت مواد مخدر و تأمین منافع استراتژیک همسایه به جذب نسل بزرگ شده در دوران جهاد و پس از آن که دانش سازندگی کمتر و دانش دینی افراطی بیش‌تر داشتند، اقدام نموده است و این صنعت برای حفظ منافع مافیای مواد مخدر و عمق استراتژیک همسایه، به کشتار مردم بی‌گناه وطن رو آورده است و نسل پرورده شده در جنگ، ماشینش را به چرخش درآورده است. چرخش ماشین صنعت جنگ در افغانستان زمانی متوقف می‌شود که حکومت اقدامات ذیل را به‌کار گیرد:

جنگ، جنگ است و در آن حلو بخش نمی‌شود، بلکه در آن جز کشت و کشتار چیز دیگری نیست، اما در جنگ یکی از اصول تعیین کننده‌ی آن، قاطعیت است. آن‌چه در جنگ تحمیلی بر افغانستان از جانب رهبری نیروهای امنیتی وجود ندارد، قاطعیت است. به این معنا که در جنگ تفکیک دوست و دشمن صورت نگرفته است. معضله‌ی دیگر، دست دراز کردن به دامن پاکستان است که ما برخلاف آن‌چه نباید می‌کردیم، می‌کنیم. مولانا فضل‌الرحمان، مفتی اعظم صادر کننده‌ی فتواهای جنگی در افغانستان از ساکنان آن‌طرف خط دیورند است، جایی که دولت ما به‌خاطر ساکنان آن همیشه اشک ریخته است و هزینه می‌کند؛ اما آن‌ها هیچ‌گاه این هزینه‌ها و اشک ریختن‌ها را جدی نگرفته و برخلاف آن همه دوستی که دولت‌مردان ما احساس کرده و می‌کنند، آن‌ها هیچ‌گونه خوشیاوندی با ساکنان این طرف خط دیورند نداشته و ندارند. همیشه فتوای جهاد صادر کرده‌اند و «خودترقان» به این طرف خط دیورند فرستاده‌اند. خرد و بزرگ و زن و مرد را به کشتار گرفته‌اند. از جانب دیگر، خط دیورند تضاد منافع دو کشور پاکستان و افغانستان است. تا زمانی که معضل خط دیورند به عنوان یک مشکل مرزی بین دو کشور حل نشود، پاکستان از عمق استراتژیک خویش در افغانستان دست‌بردار نیست و این جنگ نیابتی هم هیچ‌گاهی قطع‌شدنی نیست. آن‌که توقع دارد پاکستان صادقانه به قطع جنگ و آرامش افغانستان پایند است، به نوعی خودفریبی گرفتار است؛ زیرا علت‌ها در جای‌شان باقی اند و نمود آن که همانا عوامل داخلی جنگ نیابتی است، تعیین کننده نیست. داشتن توقع از پاکستان برای راضی ساختن طالبان و آوردن آن‌ها بر سر میز مذاکره، بی‌جاست. این خواست به معنای خودکشی

پاکستان است که طالب را به افغانستان تحویل دهد و از ادعای خویش بر خط دیورند بگذرد. این ناممکن است. ناممکن و خواستش هم بی‌جاست. افغانستان اگر از پاکستان می‌خواهد جنگ را قطع کند و طالبان را بر سر میز مذاکره حاضر کند، بایستی از ادعایش بر خط دیورند بگذرد و آن را به رسمیت بشناسد. در غیر آن، به این جنگ و خودترقانی صادراتی پاکستان بایستی خود را عادت دهد.

حکومت جنگ را یک‌بُدی و صرفاً امنیتی حساب نکند. هرچند جنگ راه‌حل نیست، ولی باید با قاطعیت تمام در مقابل دشمن جنگید، هرچند فریب‌خورندگان وطن کشته می‌شوند. جنگ تبدیل به یک صنعت شده است و عوامل مختلف خارجی و داخلی در شکل‌گیری آن دخیل اند. حکومت می‌بایست به بررسی و تجزیه و تحلیل عوامل و ریشه‌هایی داخلی جنگ بپردازد و همان‌طوری که مطرح کردم، عوامل داخلی جنگ در بسا موارد به حکومت‌داری مربوط است که در آن صورت حکومت می‌بایست نکات ذیل را در نظر گیرد. اما در ارتباط به عوامل خارجی جنگ می‌بایست دولت‌مردان افغانستان یا از خیر ادعا بر سر خط دیورند بگذرند، یا این که آن‌قدر اعتماد و منافع غرب و در رأس آن آمریکا را جلب و تأمین نماید تا افغانستان به عنوان بدیل پاکستان در منطقه مطرح شود و آمریکا هم در نتیجه حاضر شود جلو جنگ نیابتی پاکستان را با توسل به زور بگیرد. البته گرفتن یک تصمیم قاطع بدیل اولی برای دولت‌مردان افغان که از غیرت افغانی خویش گذشتگی نیستند، ممکن نیست و بدیل دومی هم زمان‌گیر است.

با فریب‌خوردگانی که در جنگ نیابتی چوب سوخت شده‌اند نیز با قاطعیت تمام بایستی برخورد گردد. به عبارت دیگر، نباید به این فریب‌خورندگان رحم کرد و حکومت بایستی پالیسی قاطعی در زمینه روی دست گیرد که هرگاه از هر محلی بالای نیروهای امنیتی و ملکی ما آتش (فیر) شود، نیروهای امنیتی با فیر نیرومندتر بایستی پاسخ دهد، تا فریب‌خورندگان قبول کنند که اگر شلیک کردند، دیگر زنده ماندن‌شان ناممکن است. البته آن عده از روستاییان که با عوامل بیگانه همکاری دارند، به این معناست که عوامل دشمن شده‌اند و بایستی با آنان نیر برخورد بالمثل شود.

اما در زمینه‌های رفع عوامل داخلی لازم است حکومت در هماهنگی و همکاری با بخش خصوصی، بخش غیردولتی، سازمان‌های اجتماعی و جامعه‌ی رسانه‌های جمعی اقدام به تدوین یک دیدگاه و برنامه‌ی کلی حکومت-ملت-بخش خصوصی-غیردولتی و بالاخره همه‌ی شهروندان کشور نموده، در نتیجه به یک تقسیم عادلانه‌ی مسؤلیت‌ها بین شرکای متذکره برسند.

سازمان‌های خیریه‌ی غیردولتی به‌صورت نامتوازن در ولایات مصروف عرضه‌ی خدمات اند، تقسیم‌ساحه‌ی کاری این مؤسسات از نو و بر حسب ضرورت مردم، نه خواست‌های مؤسسات، تعیین گردد. برنامه‌های موازی در تعدادی از ولایات از جانب مؤسسات غیردولتی عملی می‌شوند که برنامه‌های موازی از دست‌آوردی کمتری برخوردار بوده‌اند و بهتر است در سطح کشور فقط و فقط یک دیدگاه و یک برنامه‌ی کلی حکومت/ مردم افغانستان تدوین و تمامی شرکای این برنامه، اعم از حکومت افغانستان، انجوها (مؤسسات غیردولتی)، جامعه‌ی مدنی، سازمان‌های اجتماعی و بخش خصوصی همین یک برنامه را به تطبیق گرفته و دست‌آورد کار مشترک‌شان را در فردای تطبیق برنامه به ارزیابی گیرند. در حال حاضر بیشترین امکانات برای تطبیق برنامه‌های موازی در کشور به هدر می‌رود.

برنامه‌ی جامع اشتغال‌زایی که در آن هم صنعت زراعتی/ مواد غذایی، صنعت استخراج و تصفیه‌ی معادن کشور و صنعت مواد ساختمانی و پروژه‌های زیربنایی (انرژی، کانال‌های آبیاری، تحفظ و تقویت منابع آبی کشور، سرک، خط آهن و میدان‌های هوایی) در قدم اول در تمام کشور به‌راه انداخته شود. پالیسی پروژه‌های انکشافی بر مبنای نیروی بشری‌محور تدوین گردد، تا در این پروژه‌ها برای حداکثر نیروهای بشری زمینه‌ی اشتغال میسر شود؛ آن‌چه در گذشته نشده است.

برنامه‌ی نیروی بشری-کادری بر اساس راهبرد کلی رشد و توسعه‌ی کشور و مدنی-اسلامی شدن جامعه و شهروندمحور شدن افراد جامعه به مدیریت واحدی سپرده شود، نه به شکلی که در حال حاضر نظام آموزشی رسمی ما به سه وزارت کار، معارف و تحصیلات عالی تقسیم و بخش آموزش اسلامی هم به متولیان افراطی دین سپرده شده است، تا منابع سربازگیری افراطیون باشند.

تأمین امنیت در بُد داخلی نه به عنوان یک پروژه‌ی کشتار و کشتن، بلکه به عنوان یک برنامه‌ی ایجاد باورمندی به مالکیت مردم بر سرزمین‌شان به اجرا گذاشته شود، تا مردم باور کنند که دیدگاه حکومت حاصل شدنی است و در آن راستا حضور فعال هر شهروندان لازمی است. صف مردم و دشمن مردم بایستی تفکیک و با هر کدام برخورد مناسب شود. نیروهای امنیتی به آن‌چه ضرورت دارند، تجهیز شوند و مخصوصاً به شبکه‌ی اطلاعات امنیتی توجه بیش‌تری می‌دول گردد.

حکومت بایستی مدیریت استراتژیک (راهبردی) را در ساختار حکومت تطبیق کند که در آن مسؤلیت رهبری حکومت تنها تدوین دیدگاهی برای کشور است که در آن همه‌ی مردم خواست‌شان را ببینند. در حال حاضر حکومت رویکرد مدیریت سنتی قدرت را که در آن تقسیم قدرت بحث اساسی را تشکیل می‌دهد، پیشه کرده است. این روش برای کشور بحران‌زده‌ی افغانستان نه تنها مفید نیست، بلکه مردم را از حکومت دور می‌سازد. البته بحث مدیریت استراتژیک یا راهبردی در این نوشته نمی‌گنجد و این قلم کوشش می‌کند آن را در نوشتار دیگری توضیح نماید.

دیدگاه حکومت بایستی بر برگردندی خواست‌های تمامی شهروندان کشور باشد، با ایجاد باورمندی زمینه‌ی دسترسی مساویانه و برخورداری مساویانه را برای همه‌ی شهروندان بدون هیچ‌گونه تبعیض و بی‌عدالتی فراهم نماید، تا مردم در قبال خود و جامعه احساس مسؤلیت نموده، به نیروهای مخرب زمینه‌ی فعالیت ندهند.

تمام مردم، از هرقوم، منطقه و مذهب، بدون استثنا از خدمات حکومتی و غیرحکومتی به‌صورت مساویانه برخوردار شوند. بودجه نه بر اساس سنکتور و برای تعدادی از مناطق و مردم/ قوم، بلکه بر اساس جغرافیا و بر حسب نفوس هر حوزه‌ی جغرافیایی و بر حسب برنامه توزیع و تطبیق شود. در آن صورت، مردم از حیثیت شهروندی برخوردار می‌-شوند و زمینه‌ی بروز جنگ و خرابی کشور بیشترین توسط شهروندان کشور گرفته می‌شود. اساسی‌ترین مسؤلیت حکومت افغانستان را تأمین امنیت و رفاه همگانی ساکنان کشور تشکیل می‌دهد، نه آثانی که در آن طرف خط دیورند زندگی دارند و در درد و خوش‌حالی ساکنان آن‌طرف مرز دیورند شریک اند. تاکنون حکومت افغانستان از فقر و غربت این مردم چشم‌پوشی نموده و بیش‌تر به فکر آثانی که در آن طرف خط دیورند زندگی دارند و به کشتار ما

فتوای شرعی صادر می‌نمایند، دل‌سوزی، غم‌شریکی و غم‌خوری دارد. این سیاست حداقل در قرن نوزدهم و دهه‌ی اول قرن حاضر نتیجه‌ی برعکس داشته است. پس بهتر است اگر عقل سالم در بدن سالم رهبران کشور باشد، به این سیاست «خودکشی بیگانه‌پرستی» خاتمه دهد.

بی‌سوادی و جهالت عامل اصلی ناآگاهی و یک اصل اساسی در جهت مدنی شدن جامعه است که به این اصل توجه کمتری صورت گرفته است و به‌خصوص خانواده‌های فقیر روستایی بیش‌تر در معرض آسیب‌پذیری بیگانه‌گان قرار دارند. بهتر است دولت جهاد سرتاسری علیه بی‌سوادی اعلام نماید.

در حال حاضر احساس مسؤلیت شهروندان در قبال خراب‌کاران و جنگ‌افروزان ناشی از فقدان مالکیت مردم بر سرزمین‌شان است. کمتر کسی در این کشور زندگی می‌کند که از احساس قوی مالکیت بر سرزمینش برخوردار باشد، هرچند انگیزه‌ی وطن‌دوستی وجود دارد؛ اما این انگیزه به مالکیت ارتقا نیافته است.

یا به عبارت دیگر، روحیه‌ی وطن‌دوستی و وطن‌پرستی نسبت به شهروندان دیگر کشورها در افغانستان کمتر حاکم است. اگر شما در شهر سنگاپور نیم‌سوخته‌ی سگرت یا پوست کپله را روی سرک بریزید، فوراً با یک سنگاپوری مواجه می‌شوید که مانع این کار شما می‌شود و به شما اشغال‌دانی کنار سرک را نشان می‌دهد و شما را راهنمایی می‌کند که اشغال خویش را روی سرک نه، بلکه در اشغال‌دانی بیاندازید. این روحیه و درک و مسؤلیت‌پذیری در افغان‌ها شکل نگرفته است و احساس مسؤلیت که ناشی از احساس مالکیت می‌شود، در افغان‌ها شکل نگرفته و هنوز زود است از تقویت آن حرفی به میان آید. هیچ خودترقانی از آسمان در شهر کابل یا شهرهای دیگر کشور نازل نمی‌شود، مشخص است که افغانی در این پروسه وی را حمایت و حتا زمینه‌ی عملیات خودترقانی را برایش میسر می‌سازد. چرا این افغان که شاید اگر خودش از این خودترقانی متضرر نشود، همسایه‌ی دورترش متضرر می‌شود، در قبال این خودترقانی که در نهایت منجر به خرابی و کشتار هم‌وطنش می‌شود، احساس مسؤلیت نمی‌کند و چرا با خودترقانی همکاری می‌کند؟ دلپیش به نظرم مشخص است و آن نبود احساس مالکیت و احساس شهروندی و خوشیاوندی با آثانی که در همسایگی‌اش زندگی دارند، است.

حکومت می‌بایست اقدام به ایجاد یک اداره‌ی تحفظ اجتماعی برای کارمندان متقاعد/ بازنشسته‌ی حکومت، بخش خصوصی، مؤسسات غیردولتی، جامعه‌ی رسانه‌ای و سازمان‌های اجتماعی و حتا کشاورزان روستایی ایجاد نماید که در نهایت زندگی ساکنین کشور مصئون باشد. آیا یک کارمند متقاعد با دریافت سالانه کمتر از پنجاه هزار افغانی، زندگی آبرومندانه خواهد داشت؟ بدون شک نه. پس فقدان مصونیت و تحفظ زندگی هر شهروند را وادار به فساد می‌سازد. هرگاه ساکنان کشور همانند ساکنان کشورهای اروپایی مصونیت داشته باشند، در آن صورت فساد هم زمینه‌ی رشد و توسعه نمی‌یابد. بیشترین فساد در سطوح پایین کارمندان دولتی و غیردولتی از ناحیه‌ی عدم مصونیت زندگی ناشی می‌گردد. هرگاه اکثر ساکنان کشور در تشویش گرسنه نمانند در فردای روز کارشان نباشند، بدون شک سطح فساد به حداقلش کاهش می‌یابد.

هرگاه افراد یک جامعه دسترسی به مصونیت شغلی و زندگی داشته باشند، زمینه‌ی فکر کردن به فساد در آن جامعه به حداقل آن کاهش می‌یابد.

چهارک

یادداشت‌های سخیدادهاتف

عقب‌گرد در افغانستان

مخالف‌زندگی



من گاهی فکر می‌کنم اگر این طالبان محترم مثلا برای آباد کردن افغانستان این قدر سرسختی نشان می‌دادند، چه می‌شد؟ مثلا در برابر کل دنیا می‌ایستادند و می‌گفتند، ما تا تمام سرک‌های افغانستان را، حتا در دوردست‌ترین روستاها، پخته نکنیم، از پا نمی‌نشینیم. یا می‌گفتند هرکس که نمی‌تواند آزادی کامل زنان را تحمل کند، با ما طرف است. یا اعلام می‌کردند که اگر هزاران نفر کشته هم بدهند، دست از حمایت و ترویج آزادی بیان برنخواهند داشت. تصور کنید که طالبان تصمیم می‌گرفتند که در هر ولایت افغانستان دو دانشگاه معتبر و مدرن بسازند و این کارشان با مخالفت گروه‌های دیگر مواجه می‌شد. آن‌گاه طالبان با سر و جان و مال و آبروی خود وارد میدان می‌شدند و پروژه‌ی خود را به هر قیمتی عملی می‌کردند. اما روشن است که این خیال محالی است. تا طالب نباشی، نمی‌توانی به کار و مسیری که برگزیده‌ای، این قدر مومن باشی. ولی وقتی که طالب شدی، دیگر نمی‌توانی به ارزش‌های بزرگ و شریف دنیای پیش رفته و توسعه‌یافته فکر کنی.

ایمان طالبانی تنها از منحط‌ترین و جزمی‌ترین خوانش‌ها از دین می‌آید. به میزانی که آدم‌ها از این رویکرد جزمی دور شوند، زندگی ماجرای مهم‌تر و جذاب‌تری می‌شود و ایمان آدم برای از جان گذشتن را می‌لرزاند. برای همین هم هست که بدنه‌ی اصلی طالبان را افرادی می‌سازند که هیچ چهره‌ی جذابی از زندگی ندیده‌اند و نمی‌شناسند.

این که رییس‌جمهور این طالبان را مخالف سیاسی می‌خواند، شوخی بی‌مزه‌ای بیش نیست. این‌ها مخالف سیاسی نیستند، «مخالف زندگی» اند. اگر بناست که مردم توصیف دقیقی از هویت طالبان بشنوند، باید آن‌ها را برای مردم همان چیزی که هستند و جز آن نمی‌توانند باشند، معرفی کرد: مخالف زندگی.

سرمقاله‌ی روزنامه‌ی امریکایی نیویارک تایمز

برگردان: جواد زاولستانی

اما این بدان معنا نیست که از رییس‌جمهور غنی پشتیبانی نشود. او برای برخورد صادقانه با چالش‌های جدی در کشور، به‌شمول شورش‌گری و اقتصاد ضعیف و فاسد، بیش‌تر از کزری وعده داده است و بیش‌تر از او انرژی و هدف‌مندی نشان می‌دهد.

از زمانی که در ماه سپتامبر غنی برنده‌ی انتخابات جنجالی افغانستان اعلان شد و با عبدالله بر سر تقسیم قدرت به توافق رسید، پیشرفت‌هایی به دست آمده‌اند که شامل امضای موافقت‌نامه‌ی امنیتی با ایالات متحده، بازگشایی پرونده‌ی کابل‌بانک و ابتکاری برای ترمیم روابط با کشورهای کلیدی، به‌شمول پاکستان، می‌شود. پنج‌شنبه‌ی هفته‌ی گذشته آقای غنی دورنمایی اندیشمندانه - شاید نامکمل - از برنامه‌هایش را برای آوردن اصلاحات و برخورد با فساد در کنفرانس لندن در حضور کمک‌کننده‌های بین‌المللی، به‌شمول ایالات متحده و بریتانیا ارائه کرد.

آقای غنی و آقای عبدالله تا کنون تلاش کرده‌اند که تصمیم‌های مهم دیگر نیز بگیرند. ساختن کابینه که آنان وعده داده بودند پیش از کنفرانس لندن تکمیل خواهد شد، عملی نشده است و می‌گویند که برای ساختن آن چندین هفته‌ی دیگر وقت لازم دارند. با در نظر داشتن وضعیت امنیتی خطرناک افغانستان، انتظار می‌رفت که رهبران این کشور و جناح‌های سیاسی آن، اختلاف‌هایشان را کنار بگذارند. اما تا هنوز چنین اتفاقی نیفتاده است.

یک درس که در جریان سیزده سال گذشته آموخته شده است، این است: هیچ مقدار کمک‌های خارجی - نه ده‌ها هزار سرباز، نه میلیاردها دالر و نه کمک‌های نامحدود تجهیزات نظامی - نمی‌تواند واقعا در این کشور تغییر بیاورد تا مردم افغانستان نتوانند با هم یک‌جا شوند و یک دولت کارا، نسبتا عاری از فساد و با ظرفیت بسازند و مسئولیت خود و کشورشان را به عهده بگیرند.

مقام‌های ملکی هنوز هم اصرار دارند که «مأموریت رزمی» نیروهای امریکا تا پایان امسال پایان می‌یابد؛ اما این حرف قابل اعتماد نیست. رییس‌جمهور اواما باید به برنامه‌ی اصلی‌اش پابند بماند و بر آموزش و مشوره‌دهی نیروهای امنیتی افغانستان و تعقیب القاعده تمرکز کند. اگر واقع‌بینانه نگاه کنیم، همین بزرگ‌ترین دست‌آورد ائتلاف نظامی به رهبری ایالات متحده خواهد بود.

هیچ‌کسی مصمم‌تر از رییس‌جمهور اواما برای رهاندن ایالات متحده از جنجال افغانستان به نظر نمی‌رسید. او در ماه می وقتی که برنامه‌ی کاهش سربازان امریکایی را اعلان کرد، گفت که حالا «وقت باز کردن صفحه‌ی جدید است.» بر اساس این برنامه، تعداد سربازان امریکایی در افغانستان تا پایان ماه دسامبر باید به ۹۸۰۰ تن کاهش یابد و تا پایان سال ۲۰۱۶، زمینه‌ی خروج سربازان امریکایی از افغانستان مهیا شود. مسیر این هدف تا کنون درست است. اما تغییر جهت اواما در این اواخر و انکشافات دیگر نشان می‌دهند که ایالات متحده بیش‌تر در جنگ افغانستان گیر خواهد ماند و این اشتباهی است بزرگ.

نخست، رییس‌جمهور اواما به نظامیان امریکایی اجازه‌ی یک مأموریت خیلی گسترده را در سال ۲۰۱۵ داده است و این غیر از آن است که قبلا طرح شده بود. این دستور و نظامیان امریکایی را باز هم در میدان جنگ در مقابل طالبان و دیگر شبه‌نظامیان قرار خواهد داد. او قبلا گفته بود که سربازان باقی‌مانده فقط عملیات‌های ضدتروریستی علیه افراد باقی‌مانده‌ی القاعده را انجام خواهند داد. دستور جدید او به جت و هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی اجازه می‌دهد که از مأموریت‌های نظامیان دولت افغانستان پشتیبانی کنند.

تصمیم تازه‌ی رییس‌جمهور غنی مبنی بر اجازه دادن به حمله‌های شبانه که توسط حامد کرزی ممنوع شده بود نیز نظامیان امریکایی را وادار می‌کند که وارد جنگ مستقیم شوند. نیروهای عملیات‌های ویژه‌ی افغانستان که قرار است حمله‌های شبانه را از آغاز سال ۲۰۱۵ از سر بگیرند، پای مشاوران امریکایی به پشتیبانی نیروهای هوایی را به میان خواهند کشید. در حالی که مقام‌های نظامی می‌گویند که حمله‌های شبانه یک تاکتیک مؤثر است و آنان را قادر می‌سازد که طالبان را در خانه‌هایشان دست‌گیر کنند. این حمله‌ها برای تعداد زیادی در افغانستان آزار دهنده‌اند و احتمال دارد که موج جدید احساسات ضد امریکایی را برانگیزد.

از همین حالا شمار سربازان امریکایی که قرار است پس از ماه دسامبر در افغانستان بمانند، به ۱۰۰۰ تا ۱۰۸۰۰ تن افزایش یافته‌اند. متحدان عضو ناتوی ایالات متحده قرار است تا سال آینده ۴۰۰۰ سرباز را آماده کنند و شمار تمام سربازان خارجی در افغانستان را به ۱۲۰۰۰ تا ۱۴۰۰۰ نفر برسانند. وزیر خارجه‌ی ایالات متحده، جان کری، گفته است که حضور سربازان بیش‌تر امریکایی بر علاوه‌ی ۹۸۰۰ تن از قبل تعیین شده، موقتی است و فقط تا زمانی در این کشور باقی خواهند ماند که متحدان ناتو تصمیم بگیرند چه تعداد سرباز برای این کشور فراهم می‌کنند.

اما اگر ناتو نتواند سرباز کافی آماده کند، آن‌گاه چه؟

به نظر می‌رسد که پس از ظهور دولت اسلامی (داعش) در عراق و فروریختن ناگهانی ارتش عراق، اواما در باره‌ی استراتژی‌اش در افغانستان فکر دیگری در سر دارد. او می‌خواهد که در صورت افتادن اتفاق مشابهی در افغانستان که حمله‌های طالبان در آن افزایش یافته است، بار تقصیر بر دوش او انداخته نشود. اما او باید در برابر مشوره‌ی فرماندهان نظامی که بار دیگر خواستار حضور گسترده‌تر امریکا هستند، مقاومت کند. آنان در زمانی که بیش‌تر از صد هزار نیرو در افغانستان حضور داشت، از شکست دادن طالبان ناکام ماندند؛ حالا دیگر دلیلی وجود ندارد که حضور خیلی محدود امریکایی‌ها بیش‌تر مؤثر باشد.

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتهای		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	100\$ USD	۲۵۰۰ افغانی	شش ماهه	۷۵۰ افغانی	سه ماهه
Annual	180\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله	۱۳۰۰ افغانی	شش ماهه
				۲۵۰۰ افغانی	یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



بگو مگو از

نصیر احمد فرهمند

خودبزرگ بینی و خودکوچکانگاری هردو نوعی بیماری روانی است. تصورات مالمیخولیایی آدم‌های خودبزرگ بین آن‌ها را از واقعیت‌ها دور می‌کند، پیرامون خود را نمی‌بینند. این ناینیایی و توهم آن‌ها را در گوشه‌ی تنهایی مطلق پرتاپ می‌کند. چنین آدم‌هایی به نزدیک‌ترین‌های خود هم اعتماد ندارند و وقتی به جایگاهی می‌رسند، اولین نشانه‌ی‌شان این است که در طرز گفتار خود متکلم وحده می‌شوند. همیشه «من» می‌گویند و این «من» را مرکز همه چیز می‌پندارند و آن را لایق انجام هر کاری می‌دانند. خودکوچکانگار از درک جایگاه و موقف خود ناتوان است. همیشه خود را محتاج نوازش دیگران احساس می‌کند. پرده‌ی خجالت آدم خودکوچکانگار بسیار ضخیم است هر جامه‌ای که به او بدوزی، آن را نابه‌اندام به خود می‌بیند.



عظیم بشرمل

دیانت مبتذل

دیروز با دوستی صحبت می‌کردم. گفت: دو معنادی را دیدم که در زیر پل سوخته مرده بودند. دوست دیگری گفت: من چند روز قبل دیدم یک گدا مرده بود و مأموران پولیس جمع شده بودند. هر بار از بالای این پل می‌گذرم، لحظه‌ای در فکر فرورفته و به «شهرک معنادین» و «خانه‌ی گدایان» و به تمام نفرینان خاک آن‌جا خیره می‌شوم. جالب است در حاکمیت تنها کشور دنیا که رییس جمهورش «دومین متفکر جهان است» و مهم‌تر از همه، در دو قدمی بزرگ‌ترین مرکز دینی (دفتر و مدرسه‌ی آیت‌الله محقق کابلی) روزانه انسانی از بی‌چارگی می‌میرد و ده‌ها تن دیگر گدایی می‌کنند. در جلو نانوائی‌های این‌جا گدایان گرسنه صف می‌بندند و به هر کسی التماس می‌کنند، نانی برای‌شان بخرد. نماینده‌های شورای ملی و سیاست‌گران کشور با موترهای شیشه‌دودی از بالای این پل مغرورانه می‌گذرند و روحانیون معمم با خیال راحت به دفتر و مدرسه می‌روند و می‌برایند. انسان از بودن احساس نبودن می‌کند. واقعا سیاست در این کشور مبتذل است و دیانت مبتذل‌تر و مردم قربانی!

کاش به‌جای رجزخوانی به‌خاطر زانوهای برهنه‌ی یک دختر، در برابر انسان‌های گرسنه و گدا احساس مسئولیت می‌کردیم. کاش به‌جای گیر دادن به موهای خامی، به بی‌عدالتی‌های سرزمین‌مان اعتراض می‌کردیم.



Waheed Omer

آورده‌اند که ما سیاسی‌ها ظرفیت انتقاد شنیدن و پاسخ دادن را نداریم. به همین دلیل، ما را مدنی نمی‌دانند. ولی برخورد یک تعداد نخبگان جامعه‌ی مدنی در پاسخ به شایعاتی که در مورد سفر لندن پخش شده بود، خیلی سخت و توهین‌آمیز است. خوب است دوستان جامعه‌ی مدنی در مقابل انتقاداتی که از ایشان شده، با بردباری پاسخ بگویند، تا مدنیت و جامعه‌ی مدنی پویاتر شود. ناسزا و سخت گفتن را برای ما سیاسی‌ها آفریده‌اند. بگذارید همین‌جا بماند.



Motaref Haroon

بازداشت یک فعال رسانه‌ای، بر اثر شکایت سید مخدوم رهین ۱۶۹،۱۳۹۳

فضل من‌الله ممتاز، فعال رسانه‌ای، صبح امروز از سوی پولیس بازداشت شد. بازداشت آقای ممتاز بر اثر شکایت سید مخدوم رهین، وزیر اسبق اطلاعات و فرهنگ صورت گرفته است. چندی قبل آقای ممتاز در یک برنامه‌ی تلویزیونی، اسنادی را فاش کرد که ظاهراً نشان‌دهنده‌ی سوء استفاده‌های سید مخدوم رهین، وزیر اسبق اطلاعات و فرهنگ، از صلاحیت‌های وظیفه‌اش بود.

در این میان اسناد یک نمره زمین که به‌طور تحفه به وزیر اسبق اطلاعات و فرهنگ داده شده بود، نیز فاش شد. پس از نشر این برنامه، آقای رهین از آقای ممتاز به دادستانی شکایت کرد و صبح امروز پولیس آقای ممتاز را بازداشت و به دادستانی منتقل نمود. بر مبنای گزارشی که به اتحادیه‌ی ملی ژورنالیستان افغانستان رسیده، آقای ممتاز در دادستانی کل، زیر بازجویی قرار دارد.

اتحادیه‌ی ملی ژورنالیستان افغانستان، با تأکید بر این‌که افشای اسناد ذکر شده، قبل از بررسی کامل قضیه، نمی‌تواند باعث توقیف آقای ممتاز شود، از دادستانی خواسته است که به رهایی بدون قید و شرط آقای ممتاز بپردازد.

فهمیم دشتی، رییس اجرایی این اتحادیه می‌گوید: «اگر قرار است تحقیق و بررسی صورت گیرد، باید سید مخدوم رهین زیر تحقیق قرار داده شود، نه آقای ممتاز.» (اتحادیه‌ی ملی ژورنالیستان افغانستان)



آصف مهاجر

پارلمان کشور در بیش‌ترین مواقع، خالی از جمعیت معلوم می‌شود. خیلی‌ها از جمع نمایندگان در شورای ملی حضور ندارند. این روزها عده‌ای از کاستی دیگر شاکی به نظر می‌رسند؛ این‌که موضوع و طرحی برای جلسات عمومی وجود ندارد. مدیریت ضعیف و ظرفیت برای پیش‌برد امور و کار درون‌پارلمانی نیز ناچیز و کم‌رنگ است. فکر می‌کنم پارلمان کشور را چند مسئله بیش‌تر تهدید می‌کند: یک، عده‌ای از اعضای پارلمان، به‌شمول هیأت مدیره، ظرفیت لازم را برای کار ندارند؛ دو، مصروفیت‌های جنبی و بیرونی اعضای پارلمان، کاستی‌آفرین است و این‌که بسیاری از آن‌ها بیش‌تر به امتیازات پارلمان توجه دارند، تا این‌که مسئولیت و تعهد برای‌شان مهم تلقی شود؛ سه، نوعیت حضور افراد که بیش‌تر با پشتوانه‌ی مصارف هنگفت و زدوبندهای سیاسی و فسادآلود به پارلمان راه می‌یابند، دامنه‌ی کار آنان را جنجالی و فسادبار می‌سازد؛ چهار، عدم هماهنگی و همکاری لازم میان پارلمان و نهادهای اجرایی، به‌خصوص حکومت، این مسئله نیز نگران‌کننده است.



حسادت، تهدید جدی برای سلامت روان



محقق شدند، این توانایی را دارید تا در مقابل آن ایستادگی کنید.

۶. سعی کنید به اطرافیان خود اطمینان داشته باشید

هرچند داشتن اطمینان کامل به افراد کار سختی است؛ اما غیرممکن نیست. اگر از افرادی هستید که به‌راحتی حس حسادت بر شما غلبه می‌کند، به دلیل آن است که در گذشته اطمینان خود را از دست داده‌اید و لازم است از فکر کردن به آن‌چه در گذشته اتفاق افتاده، خودداری کنید.

۷. از اطرافیان تان انتظارات معقولانه داشته باشید

در صورتی که فرزند یا همسر تان برای بودن با شما زمان صرف نمی‌کند، ممکن است نگرانی تان صحیح باشد؛ اما اگر آنان زمان زیادی را با شما می‌گذارند و تصور می‌کنید که حد آن کافی نیست، تقاضای شما بیش از حد است و باید آن را متعادل کنید.

۸. به دیگران نگاه خوش‌بینانه‌ای داشته باشید

حس حسادت رفتاری ترس‌محور است. فردی که دچار حسادت می‌شود، نگرانی زیادی را صرف اموری می‌کند که هنوز اتفاق نیفتاده‌اند و شاید هم هیچ وقت رخ ندهند. (برترین‌ها)

خانواده‌اش طرد شود. لازم است فرد برای خود احترام قایل شود و هم‌چون افراد با اعتماد به‌نفس رفتار کند. چرا که افراد با اعتماد به‌نفس می‌دانند در صورتی که طرد شوند، به دلیل کوتاه‌بینی اطرافیان‌شان است و نباید خود را مقصر بدانند.

۳. از مقایسه خود با دیگران خودداری کنید

مقایسه کردن خود با دیگران موجب بروز حس حسادت می‌شود. به‌جای آن‌که بر نقایص خود تمرکز داشته باشید، به نکات مثبت خود توجه کنید.

۴. خلاف آن‌چه افراد حسود انجام می‌دهند، رفتار کنید

زمانی که حس حسادت بر شما غلبه می‌کند، به شیوه‌ی مخرب و از طریق متهم کردن دیگران واکنش نشان ندهید. به‌طور مثال، اگر دوست صمیمی تان بیش‌تر وقت خود را با فرد دیگری می‌گذرانند، به او تماشای یک فیلم سینمایی یا رفتن به رستوران را پیشنهاد دهید.

۵. حس پارانویا و توهمی را که بخشی از حس حسادت است، شناسایی کنید

حس حسادت موجب می‌شود تا به سناریوهای خیالی که در ذهن تان است، واکنش نشان دهید. در حقیقت باید باور کنید فکرهای بدی که آن‌ها را تصویر می‌کنید، هرگز اتفاق نمی‌افتند و اگر این تصورات

حس حسادت در انسان طبیعی است؛ اما این حس بدون شک سلامت روان را مختل کرده و با تأثیر منفی بر زندگی، فرد را از موفقیت بازمی‌دارد.

به‌رغم تأثیرات زیان‌بار این حس روی زندگی، کنترل و مهار آن می‌تواند سخت باشد؛ اما لازم است برای پیشرفت در زندگی هرچه زودتر با این حس منفی مقابله کرده و از حسادت و زین‌پرهیزید، تا راه خوش‌بختی و موفقیت را به روی خود باز کنید.

سایت WIKIHOW در همین رابطه راهکارهایی را برای از بین بردن حس حسادت ارائه کرده است:

۱. شناسایی مسایل و شرایطی که موجب برانگیخته شدن حس حسادت می‌شوند

مثلاً وقتی بهترین دوست‌تان وقت بسیاری را برای گذراندن با دیگران صرف کند، یا حسادت فرزندتان زمانی که یکی از والدین وقت بیش‌تری را برای ناپدری یا نامادری آن‌ها اختصاص دهد، یا وقتی کودکی یکی از والدین خود را بیش‌تر دوست داشته باشد. قدم اول برای مقابله با حسادت، شناسایی این شرایط است.

۲. اعتماد به‌نفس خود را تقویت کنید

حسادت معمولاً از احساس ناامنی و ارزش قایل نشدن برای خود نشأت می‌گیرد. ممکن است فرد این واژه را داشته باشد که از طرف دوستان و افراد



ختنه خطر ایدز و بیماری‌های آمیزشی را «کم می‌کند»

عوارض ختنه معمولاً خون‌ریزی و التهاب است و عوارض جانبی شدیدتر بی‌نهایت نادر هستند. در این پیش‌نویس احتمال ایجاد عوارض جانبی خفیف در نوزادان نیم درصد، در کودکان نه درصد و در بزرگسالان پنج درصد ذکر شده است.

در مورد زمان ختنه کردن مرکز پیش‌گیری و مبارزه با بیماری‌های آمریکا می‌گوید که ختنه در نوزادان و کودکان آسان‌تر و ارزان‌تر و کم‌خطرتر است، اما اگر ختنه تا دوران نوجوانی یا بزرگسالی به تعویق بیفتد، خود فرد هم می‌تواند در تصمیم‌گیری مشارکت کند. مرکز پیش‌گیری و مبارزه با بیماری‌های آمریکا ختنه را یکی از راه‌های مؤثر در کاهش انتقال اچ‌آی‌وی، به‌خصوص در مردان غیرهم‌جنس‌گرا می‌داند؛ اما می‌گوید، شواهد نشان نمی‌دهند که ختنه در مردان هم‌جنس‌گرایی که صرفاً سکس مقعدی دارند، خطر انتقال اچ‌آی‌وی یا بیماری‌های آمیزشی دیگر را کاهش می‌دهد.

در این راهنما ختنه نه یک دستور پزشکی، بلکه یک انتخاب داوطلبانه و شخصی عنوان شده است. (بی‌بی‌سی)

(HERPES) را ۳۰ تا ۴۰ درصد و خطر آلوده شدن به گونه‌های خطرناک ویروس پاپیلومای انسانی (HPV) را که با سرطان ربط دارد، سی درصد کاهش می‌دهد.

بررسی‌ها نشان می‌دهند که ختنه احتمال انتقال اچ‌آی‌وی از مرد به زن را کم نمی‌کند؛ اما خطر ابتلای زنان به دیگر عفونت‌های آمیزشی مثل واژینوز باکتریایی، تریکومونا و HPV (زگیل تناسلی) را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، دیگر بیماری‌های آمیزشی و سرطان آلت تناسلی در افراد ختنه شده کمتر است و همین‌طور خطر سرطان گردن رحم در زنانی که شریک جنسی‌شان ختنه شده، پایین می‌آید.

در پسر بچه‌ها، ختنه احتمال عفونت ادراری را کم می‌کند.

عوارض مرکز پیش‌گیری و مبارزه با بیماری‌های آمریکا خطر ختنه‌ای را که با رعایت ضوابط پزشکی انجام شود، اندک می‌داند. ختنه بر فعالیت و لذت جنسی تأثیری ندارد یا تأثیر آن ناچیز است.

مرکز پیش‌گیری و مبارزه با بیماری‌های آمریکا پیش‌نویس راهنمایی را در باره‌ی ختنه‌ی مردان منتشر کرده و از مردم خواسته تا در مدت ۴۵ روز در باره‌ی آن اظهار نظر کنند تا در نهایت این مرکز دستورالعمل‌هایی را در باره‌ی ختنه منتشر کند. مرکز پیش‌گیری و مبارزه با بیماری‌های آمریکا هدف خود را تهیه‌ی راهنمایی برای مردان هم‌جنس‌گرا و برای والدینی که فرزند پسر دارند، عنوان کرده تا این افراد بتوانند با آگاهی کافی در مورد ختنه تصمیم بگیرند. این پیش‌نویس بر اساس بررسی سیستماتیک شواهد علمی در زمینه‌ی فواید و مضرات ختنه تنظیم شده و تأثیر ختنه به‌ویژه در مورد انتقال اچ‌آی‌وی مد نظر قرار گرفته است.

فواید ختنه خطر انتقال اچ‌آی‌وی هنگام رابطه‌ی جنسی را به میزان قابل توجهی (پنج‌تا شصت درصد) کاهش می‌دهد، به عبارت دیگر، مردی که ختنه شده باشد، در رابطه‌ی جنسی با زنی که اچ‌آی‌وی دارد، کمتر در خطر آلودگی به ویروس است. علاوه بر این، ختنه خطر آلودگی به تبخال تناسلی

کریستیانو دنیا را حیرت زده کرد



دو صدمین گول کریستیانو رونالدو و رکوردی که ستاره‌ی مادرید در دیدار شنبه شب مقابل سلتاویگو به جا گذاشت، از دید رسانه‌ها پنهان نماند. رسانه‌ها به هت‌تریک رونالدو که باعث پیروزی سه بر صفر ریال مادرید مقابل سلتاویگو در هفته چهاردهم لالیگا شد، پرداختند و هم‌چنین در باره‌ی پناالتی مشکوکی که در این بازی به سود ریالی‌ها گرفته شد، صحبت کردند.

روزنامه‌ی «اوله» چاپ آرژانتین تصویر رونالدو را روی صفحه‌ی اصلی خود چاپ کرد و تیتیر زد: «کلاه‌ها را بردارید». این روزنامه در متن خبر خود نوشت: مادرید با رهبری ستاره‌ی پرتگالی خود مثل همیشه قدرت‌مند بود. آن‌ها با حضور کریستیانو رونالدو به عنوان نماد باشگاه و زنده‌ی یک هت‌تریک دیگر تیم توتو بریزو را که نمی‌توانست کاری برای مهار ستاره‌ی پرتگالی انجام دهد، شکست دادند.

روزنامه‌ی «گرتا دلو اسپورت» چاپ ایتالیا نوشت: «با سه گول فوق‌العاده‌ی کریستیانو که باعث شد دو صدمین گولش را در لالیگا به ثمر برساند، پیروزی آسانی برای مادرید مقابل سلتاویگو به دست آمد». این روزنامه اضافه کرد: «وی رکورد هت‌تریک‌های دی‌استفانو و زارا را پشت سر گذاشت. به او تبریک می‌گوییم».

در همین حال، روزنامه‌ی «اکیپ» چاپ فرانسه نیز به تعداد گول‌های کریستیانو رونالدو اشاره کرد. این روزنامه‌ی فرانسه نوشت: «برنابو به احترام او ایستاد». روزنامه‌ی «ابولا» چاپ پرتگال نیز اعلام کرد: «یک شاهکار جدید در دوران حرفه‌ای رونالدو. این تأثیرگذاری کریستیانو را نشان می‌دهد که برای زدن ۲۰۰ گول تنها به ۱۷۸ بازی نیاز داشت».

روزنامه‌ی گاردین چاپ انگلیس تیتیر «کریستیانو رونالدو رکورد هت‌تریک لالیگا را زد» و بیلد، روزنامه‌ی آلمان در خصوص پناالتی جنجالی در این بازی نوشت: «یک هت‌تریک برای کریستیانو رونالدو؛ اما در باره‌ی شیرجه‌ی او چه نظری دارید؟»

روزنامه‌ی «اسپورت» چاپ کاتالونیا تیتیر زد: «یک ماه شرم برای شیرجه‌ی کریستیانو» و در ادامه نوشت: «یک جنجال جدید برای کریستیانو رونالدو که با کمک ایندیانو ماینکو که پناالتی را به سود ریال گرفت، تا اولین گولش به ثمر برساند».

تیتیر «ال موندو دپورتیوو» به این صورت بود: یک پیروزی برای مادرید با پناالتی‌ای که وجود نداشت. آن‌ها هم‌چنین به تعداد پناالتی‌های زده شده توسط رونالدو تأکید کردند: «پناالتی‌های رونالدو؛ رونالدو با افتادن دراماتیکش در محوطه‌ی جریمه‌ی سلتاویگو، هفتمین گولش از روی نقطه‌ی پناالتی را از ۲۳ گولی که در این فصل برای ریال در لالیگا به ثمر رساند، به ثبت رساند».

ابراهیموویچ: بازی به بازی بهتر می‌شوم

در این بازی هم با دو گولی که زدم، این کار را عملی کردم.

اخیراً اریک رولاند، پزشک تیم فوتبال پاری‌سن‌جرمن اعلام کرده بود که ابراهیموویچ از ناحیه‌ی پاشنه‌ی پا دچار مصدومیت شده است و احتمال این که بیش‌تر بازی‌های باقی‌مانده‌ی فصل ۱۵-۲۰۱۴ را از دست بدهد، بسیار زیاد است.

ایبرا که بازی مقابل لیل را از دست داده بود، در دو بازی قبلی‌اش که برای میلیونرهای پاریس به میدان رفته، سه گول به ثمر رسانده است.

تیم فوتبال پاری‌سن‌جرمن شنبه شب در هفته‌ی هفدهم لو شامپیونه‌ی فرانسه با دو گول مهاجم سوئدنی خود از سد میهمانش، نانت گذشت و به صدر جدول این رقابت‌ها صعود کرد. زلاتان ابراهیموویچ پس از گولزنی مقابل نانت در ورزشگاه پارک‌دوپرنس به سایت رسمی باشگاه پاری‌سن‌جرمن گفت: احساس خوبی در این دیدار داشتیم. من بازی به بازی بهتر می‌شوم. هنوز صد درصد آماده نیستم؛ ولی اگر به همین روند ادامه دهم، به روزهای اوجم بازخواهم گشت. همیشه تلاش می‌کنم تا جای ممکن به تیمم کمک کنم و

راموس: برای توصیف رونالدو باید کلمات جدیدی ابداع کرد

بگذاریم، بسیار تأثیرگذار بوده‌ایم.

مدافع ریال مادرید خاطر نشان کرد: رکوردهایی که رونالدو به ثبت می‌رساند، دیوانه کننده است. حقیقت این است که وجود چنین بازیکنی در ترکیب ریال مادرید، یک امتیاز است. برای توصیف رونالدو باید کلمات جدیدی ابداع کرد. او هر رکوردی را پشت سر می‌گذارد. در حال حاضر شاید رونالدو در بهترین شرایط دوران حرفه‌ای‌اش باشد.

وی اضافه کرد: تمدید قرارداد آنچلوتی عالی است. او یک مربی استوار است و امیدواریم که تا جایی که می‌شود، در تیم بماند. کارلو می‌داند چگونه تیم را رهبری کند و امیدوارم که همین‌جا بماند.

سرخپو راموس پس از پیروزی سه بر صفر ریال مادرید مقابل سلتاویگو در سه‌صدمین حضورش در لیگ برای ریال مادرید اظهار داشت: روز خاصی برای من بود؛ زیرا هر روز نمی‌توانید به این تعداد فوق‌العاده از بازی برسید. علاوه بر این، با این روند پیروزی‌ها و قرار گرفتن در صدر جدول، کارها برای ما به عنوان یک تیم عالی پیش می‌رود. امیدوارم بتوانم سال‌های بیش‌تری در این تیم بمانم و این تعداد بازی را دو برابر کنم. وی ادامه داد: سلتا فوتبال بسیار خوبی را به نمایش می‌گذارد. آن‌ها توپ را عالی حفظ می‌کنند و سعی می‌کنند مالکیت توپ را در دست داشته باشند. ما با تنوع سیستم‌هایی که در این فصل تلاش کردیم به نمایش

ریبری: خوشحالم که به رکورد ۱۰۰ گول زده رسیدم

فرانک ریبری وینگر فرانسوی بایرن تک گول این بازی را به ثمر رساند و به رکورد ۱۰۰ گول زده برای این تیم رسید. ریبری: «پیروزی بسیار دشواری در یک بازی سخت بود. لورکوزن تیم بسیار خوبی است. نکته‌ی بد بازی این بود که نتوانستیم گول دوم را به ثمر برسانیم. زدن ۱۰۰مین گول از نظر شخصی مهم است؛ اما مهم‌تر از همه برای تیم مهم بود. در سال جاری ۴ بازی دیگر داریم و می‌خواهیم در هر ۴ بازی برنده باشیم».

مهدی بن عطیه: «ریبری با شایستگی به این رکورد دست یافته است. او هنوز تمام نشده است. هنوز چند سال دیگر می‌تواند بازی بکند».

بالوتلی نیامده باید لیورپول را ترک کند



ماريو بالوتلی معروف به سوپر ماریو که در فصل نقل‌وانتقالات تابستانی با مبلغ ۱۶ میلیون پوند از باشگاه AS میلان به باشگاه لیورپول آمده؛ اما نتوانست فصل موفق‌تری را با این باشگاه سپری کند و پس از ۵ ماه حضور در این باشگاه جز با باقی گذاشتن حواشی فراوان و حتا جریمه از طرف سازمان لیگ انگلیس، چیزی برای لیورپولی‌ها نداشته است؛ به‌طوری که هر روز نیز بر حجم انتقادات به‌سوی خود می‌افزاید.

بالوتلی ۲۴ ساله هم اکنون از ناحیه‌ی کشاله‌ی ران دچار مصدومیت شده است و ۵ جلسه نیز به دلیل انتشار تصویری در رسانه‌های اجتماعی که حاکی از دیدگاه یهودی‌ستیزی بود، با محرومیت ۵ جلسه‌ای محروم شد.

این مسایل همه در حالی است که رسانه‌های انگلیسی به‌تازگی خبری منتشر کرده‌اند که در آن لیورپولی‌ها قصد دارند بالوتلی را در لیست فروش خود بگذارند. گفتنی است، با آمدن رابرت مانچینی در رأس کادر فنی اینتر میلان، وی خواهان پیوستن دوباره‌ی ماریو بالوتلی به اینتر میلان، تیمی که این فصل آن را به مقصد لیورپول ترک کرده است.

اعتراض شدید و نگر به داور: ۵ بازیکن دیگر باید از زمین اخراج می‌شدند!

آرسن ونگر، سرمربی تیم آرسنال پس از شکست ۳ بر دو در خانه‌ی استوک در هفته‌ی پانزدهم لیگ برتر گفت: «احساس می‌کنم ما مقداری بدشانس بودیم؛ زیرا گول سوم خطای کرنر بود. کارت سرخ یک تصمیم اشتباه بود، اگر جیمبز باید از بازی خارج شود، من با شما بازی را تماشا می‌کنم و خواهیم دید پنج بازیکن دیگر باید از زمین اخراج شوند. بازی را بار دیگر نگاه کنید، جیمبز مستحق بیرون رفتن از زمین نبود، مخصوصاً بازیکنانی که با دست و آرنج به‌صورت دیگران می‌زدند».

تلاش چلسی برای خریدن بازیکنان مصدوم دورتموند

مارکو ریوس ۲۵ ساله که هم اکنون به دلیل آسیب‌دیدگی از ناحیه‌ی لیگامنت زانو اسیر مصدومیت است، هم اکنون مورد توجه باشگاه‌های زیادی قرار دارد. وی که درخواست تمدید قرارداد بورسیا دورتموند را هم رد کرده است، به احتمال زیاد فصل آینده با مبلغ ۲۰ میلیون پوند به یکی از باشگاه‌های انگلیسی یا آلمانی خواهد پیوست؛ اما در این میان باشگاه چلسی که این روزها در صدر جدول پرمیر انگلیسی جایش را تا حد زیادی تثبیت کرده است و تا اندازه‌ای هم توانسته در لیگ قهرمانان بدرخشد، گوی سبقت را از سایر تیم‌هایی مانند منچستر یونایتد و بایرن مونیخ که مصرانه به‌دنبال جذب وی هستند، برده است و قصد دارد با دادن مبلغ نجومی و پیش‌نهاد هفته‌ی ۱۳۰ هزار پوند به عنوان دست‌مزد باشگاه دورتموند و این بازیکن را تطمیع کند.

گفتنی است؛ مارکوس ریوس به دلیل مصدومیت از ناحیه‌ی لیگامنت زانو تا اوایل فصل آینده نیز نمی‌تواند بازی کند. شایان ذکر است؛ باشگاه چلسی هم اکنون در صدر جدول رقابت‌های لیگ برتر انگلیسی قرار دارد.

توپ طلا، تنها توپی که مانویل نویر موفق به مهار آن خواهد شد

سال ۲۰۱۰ لیونل مسی برای کسب چنین عنوانی انتخاب شد، با وجود این که این ابرستاره‌ی آرژانتینی در آن سال نه با بارسلونا و نه با تیم ملی آرژانتین به عنوان یا موفقیتی دست یافته بود. سال گذشته نیز چنین جایزه‌ای به کریستیانو رونالدو تعلق گرفت؛ در حالی که این ابرستاره نیز به موفقیتی با ریال مادرید و تیم ملی پرتگال نرسیده بود.

در حال حاضر مسی و رونالدو که از سال ۲۰۰۸ تا کنون توپ طلای فوتبال را بین خود تقسیم نموده‌اند، در حال شکستن متوالی رکوردهای گول‌زنی در لالیگا، لیگ قهرمانان اروپا و حتا بازی‌های انتخابی رقابت‌های یورو هستند. برای نمونه، لیونل مسی در روزهای اخیر علاوه بر جای‌جا کردن رکورد بیش‌ترین گول زده در لالیگا، رکورد بیش‌ترین گول زده در لیگ قهرمانان اروپا را نیز به‌نام خود به ثبت رسانده است و کریس رونالدو نیز در دوازده بازی ابتدایی از رقابت‌های این فصل لالیگا، موفق به به‌ثمر رساندن بیست گول شده است.

به همین دلیل، مانویل نویر در این رابطه هرگز توان رقابت با مسی و رونالدو را نخواهد داشت؛ چون او تنها در ضربات پناالتی دیدار فاینل لیگ قهرمانان سال ۲۰۱۲ بین تیم‌های بایرن مونیخ و چلسی موفق به گول‌زنی شده است. با این وجود، رسیدن چنین عنوانی به مانویل نویر، می‌تواند پاداشی برای شیوه‌ی مدرن دروازه‌بانی و قابلیت‌های غیرقابل باور او و هم‌چنین فتح چهارمین مرتبه‌ی جام جهانی توسط آلمان باشد.

اما به این مسئله که آیا سرمربیان، کاپیتان‌های تیم‌های ملی فوتبال و خبرنگاران انتخاب شده از همه‌ی ۲۰۹ کشور عضو فیفا از آندورا گرفته تا پاناما، نسبت به این انتخابات چنین دیدی دارند، باید با تردید نگریست.

اشمیت: می‌توانستیم پیروز میدان باشیم

کیفیت بایرن را ببینید. آن‌ها به‌خوبی حفظ توپ می‌کردند و به ما اجازه نمی‌دادند به دروازه‌ی آن‌ها نزدیک شویم». رودی فولر (مدیر ورزشی بایرلورکوزن): «ما در ۳۰ دقیقه‌ی ابتدایی بازی خوبی به نمایش گذاشتیم. ما هم شانس گولزنی داشتیم؛ اما از آن استفاده نکردیم. ما به‌خوبی پرس کردیم و بایرن فرصت‌های جدی زیادی نداشت. در مقابل فشار بایرن شما همیشه در موقعیت خطر هستید».

مارتینز: اشتباهات داوری دلیل اصلی باخت ما بود

بارکلی با هم برخورد داشتند، ولی خطایی گرفته نشد. بنابراین، من واقعا از عملکرد داور مایوس شدم». مارتینز هم‌چنین در مورد حرکت خطرناک مانگالا و برخورد او با ساموئل اتوئو گفت: «صحنه‌ی اول بدون هیچ شکی اخراج داشت. ساموئل اتوئو توپ را کاملا در اختیار داشت و مانگالا از پشت سر او زد. شما می‌توانید از زانو و پای خود برای کنترل توپ استفاده کنید، ولی او هیچ شانس نداشت. پای او بسیار بالا بود و برخورد وحشت‌ناکی با کمر ساموئل داشت. شما می‌توانید به‌راحتی بازی خطرناک را تشخیص دهید. دید داور کاملا واضح بود؛ هیچ کس جلو او قرار نداشت و باید او را اخراج می‌کرد. به نظرم نیمه‌ی دوم واکنش ما خوب بود و من از نمایش تیم رضایت دارم و اگر عملکرد بد داور را کنار بگذاریم، به نظرم در نیمه‌ی اول به اندازه‌ی کافی خوب نبودیم».

به نظر فدراسیون جهانی فوتبال لیونل مسی، کریستیانو رونالدو و مانویل نویر سه بازیکن برتر فوتبال جهان در سال ۲۰۱۴ بوده‌اند که برای کسب توپ طلای فوتبال از سوی فیفا نامزد شده‌اند. نکته‌ی مورد توجه در این ایست، حضور بازیکنی از فوتبال آلمان در جمع سه بازیکن برتر سال پس از دوازده سال است، چون آخرین مرتبه‌ی لیور کان در سال ۲۰۰۲ و با درخشش در جام جهانی آن سال، از شانس دریافت توپ طلا برخوردار شده بود.

در انتخابات دوازده سال پیش لیور کان ملقب به TITAN رقابت بر سر کسب این جایزه را به رونالدو برزایی واگذار نمود، چون این ستاره‌ی برزایی یا EL FENOMENO (پدیده) دنیای فوتبال نقش مهمی در قهرمانی برزایل در جام جهانی داشت و در فاینل نیز دو مرتبه لیور کان را مغلوب ضربات خود کرده بود.

این بار اما شرایط اندکی متفاوت است، مانویل نویر، سنگربان تیم ملی آلمان برخلاف لیور کان در فاینل جام جهانی نیز بدون اشتباه بود و در قهرمانی آلمان در این رقابت‌ها نقش بسیار پررنگ و تعیین کننده‌ی او بر عهده داشته است. به همین دلیل، او به شایستگی از سوی فیفا نامزد کسب توپ طلای فوتبال ۲۰۱۴ شده است و می‌تواند بعد از لوتار ماتئوس، دومین آلمانی باشد که به چنین عنوانی دست می‌یابد؛ اما این مسئله هرگز تضمین شده نیست و برعکس شانس نویر در انتخاب به عنوان برترین بازیکن سال بسیار کم به نظر می‌رسد، چون در سال‌های اخیر چنین جایزه‌ی بیش‌تر به بهترین بازیکن از لحاظ فردی تعلق گرفته است و افتخارات تیمی و کار گروهی نقشی در کسب چنین عنوانی نداشته‌اند، زمینه‌ای که بی‌تردید نویر در آن از برتری خاصی نسبت به دو رقیب دیگر خود برخوردار است.

بایرلورکوزن در هفته‌ی چهاردهم بوندس لیگا با تک‌گول ریبری مغلوب بایرن مونیخ شد و به رده‌ی چهارم جدول سقوط کرد. روگر اشمیت، سرمربی بایرلورکوزن در کنفرانس خبری پایان بازی گفت: «به بایرن تبریک می‌گویم، آن‌ها سزاورا کسب برد بودند. ما هم شانس برنده شدن در این بازی را داشتیم. متأسفانه در نیمه‌ی دوم خیلی زود گول دریافت کردیم و پس از آن کار برای ما دشوار شد. در این بازی می‌توانستید به‌راحتی

برخورد جاگیلکا با میلنر در درون محوطه‌ی جریمه از سوی داور بازی، آندره ماری، پناالتی تشخیص داده شد تا یحیی توره تک‌گول بازی را به ثمر برساند و تافی‌ها شکست دیگری را تجربه کنند. روبرتو مارتینز پس از بازی به انتقاد از عملکرد داور پرداخت و در مورد خطای پناالتی گفت:

«جیمز میلنر ابتدا به توپ رسید، ولی جاگیلکا نمی‌توانست غیب شود. او تنها در مسیر توپ حرکت می‌کرد، جیمز مسیر توپ را عوض کرد و بدن آن‌ها با یک‌دیگر برخورد کرد. فوتبال یک ورزش درگیرانه است، فیل جاگیلکا سعی نداشت روی میلنر خطا کند. اگر به واکنش جیمز میلنر نگاه کنید، او حتا پس از آن سعی داشت دوباره روی پاهای خود بایستد و برای تصاحب توپ تلاش کند، اصلا و ابداً آن صحنه پناالتی نبود. صحنه‌ی بسیار شبیه به این در محوطه‌ی جریمه‌ی آن‌ها اتفاق افتاد؛ فرانک لمپارد و روس

برخی از اعضای جامعه مدنی از لندن برنگشته اند

اطلاعات روز: شماری از اعضای مجلس سنا می گویند که تعداد زیادی از اعضای جامعه مدنی از لندن برنگشته اند. گروه ۵۲ نفری متشکل از اعضای نهادهای جامعه مدنی برای اشتراک در یک نشست نهادهای مدنی برخی کشورها زیر نام «آینده» و ارائه پیشنهادهای به «کنفرانس لندن برای افغانستان» به تاریخ هشت قوس عازم شهر لندن شدند.

با پایان این نشست، اکنون برخی از آنان دوباره به کشور برنگشته و به حکومت بریتانیا درخواست پناهندگی داده اند. زلمی زابلی، عضو مجلس سنا در نشست دبروز این مجلس گفت، اسنادی در اختیار دارد که از جمع ۵۲ عضو جامعه مدنی، سی تن آنان تا حال به کشور برنگشته و در آنجا درخواست پناهندگی داده اند.

به دنبال آن، گلالی اکبری، عضو دیگر مجلس سنا گفت که این عملکرد نمایندگان جامعه مدنی، ضربه‌ی شدیدی بر این نهادها وارد می‌کند: «دیگر کسی به نهادهای جامعه مدنی اعتبار نمی‌کند». فضل‌هادی مسلم‌یار، رییس مجلس سنا از حکومت خواست که برای جلوگیری از تکرار چنین کاری، در آینده اشخاص مطمئن را برای اشتراک در نشست‌های خارجی انتخاب کند.

با این حال، احمد شکیب مستغنی، سخنگوی وزارت امور خارجه‌ی کشور گفت که سفر اعضای جامعه مدنی به لندن، از سوی اداره‌ی امور تنظیم شده و این وزارت در این مورد معلومات ندارد. عزیز رفیعی، رییس نهادهای جامعه مدنی در لندن دبروز به رسانه‌ها گفت، سه عضو جامعه مدنی ولایت‌ها از لندن به کشور برنگشته و آنان در زمینه مسئولیت ندارند.

در همین حال، نجیبه ایوبی، رییس کلید گروپ که به نمایندگی از نهادهای جامعه مدنی در نشست لندن شرکت کرده بود نیز گفت، شش عضو جامعه مدنی به کشور برنگشته‌اند. او افزود که در میان این افراد، اعضای جامعه مدنی ولایت‌های غزنی، ارزگان، ننگرهار و کنر شامل اند. این در حالی است که قبل از این سفر، انتقادهایی وجود داشتند که اعضای جامعه مدنی برای اشتراک در نشست لندن به‌طور معیاری انتخاب نشده‌اند. گزارش شده بود که برخی از اعضای جامعه مدنی برای اشتراک در این نشست، بر اساس روابط و سلیقه‌های شخصی انتخاب شده بودند.

وابستگان قربانیان جنگ: کشتار افراد ملکی متوقف شود



وزارت خانه‌ها نغمارد. بی‌میلی به عدالت برگزار کنندگان این تظاهرات گفتند که «عدالت انتقالی» (گذار به عدالت) باید در افغانستان تطبیق شود. در سیزده سال گذشته حکومت تمایلی به برنامه‌ی عدالت انتقالی نشان نداده؛ حتا گزارشی که زیر عنوان «ترسیم منازعه» توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان تهیه شد و در اختیار مقام‌های حکومت قرار گرفت، نشر نشد. در این گزارش موارد نقض حقوق بشر از طریق مصاحبه با متضرران جنگ‌ها در افغانستان مستند شده و عوامل تخطی‌های حقوق بشری مشخص شده‌اند. به نظر می‌رسد که حکومت پیشین افغانستان بنابر ملاحظاتی، از پیگرد عاملان نقض حقوق بشر خودداری نمودند. (دوپیچه وله)

مصنوع اند: «هزاران انسان را در این‌جا کشتند، مردم عادی راه روشن‌فکران مترقی را. سال گذشته لیست ۵۰۰۰ قربانی نشر شد؛ اما متأسفانه با آن که یک سال از آن روز می‌گذرد، تا به حال هیچ کاری در راستای تحقق خواست قربانیان برداشته نشده است». تظاهر کنندگان گفتند، جنگ، حملات انتحاری و انفجار مابین‌ها همه‌روزه از مردم قربانی می‌گیرند و برای مردم فقیر این کشور فاجعه‌ی جدید خلق می‌کنند. آن‌ها تأکید کردند، در صورتی که کشتار مردم به پایان نرسد، آن‌ها به‌صورت مکرر به اعتراض خود ادامه خواهند داد. گروه هماهنگی عدالت انتقالی از رییس جمهور جدید افغانستان خواست تا افرادی که به نحوی در تخطی‌های حقوق بشری دست دارند را در پست‌های مهم دولتی، به‌خصوص

خواست‌ها
اشتراک کنندگان این تظاهرات خواستار برکناری افرادی شدند که متهم به نقض حقوق بشر هستند و در سه دهه‌ی اخیر به نحوی در کشتار، آوارگی و خشونت در افغانستان سهم داشته‌اند. تظاهرات کنندگان گفتند، بیش از این به ناقضان حقوق بشر امتیاز داده نشود و آن‌ها باید در محاکم عادلانه در رابطه به آنچه که انجام داده‌اند، پاسخ بگویند. قطع فوری کشتار غیرنظامیان، خواست دیگر تظاهر کنندگان است. این در حالی است که افراد ملکی در نتیجه‌ی حملات انتحاری، انفجارها یا برخوردهای مسلحانه تقریباً همه‌روزه قربانی می‌شوند. فریدون، یکی از تظاهر کنندگان گفت، هیچ‌کسی به دلیل کشتار و قتل عام در افغانستان محاکمه نشده و جنایت‌کاران هنوز هم

دهها تن از بازماندگان قربانیان جنگ در کشور در آستانه‌ی روز جهانی حقوق بشر در کابل تظاهرات کردند و خواهان توقف کشتار، معیوبیت، آوارگی و تمام موارد نقض حقوق بشری در کشور شدند. تظاهر کنندگان در حالی که عکس‌هایی از قربانیان جنگ‌ها را حمل می‌کردند، از حکومت افغانستان، نیروهای بین‌المللی، شورشیان طالب و تمام گروه‌هایی که دست به خشونت می‌زنند، خواستند تا بیش از این خون افغان‌ها را نریزند و زمینه‌ی نقض حقوق بشر را فراهم نکنند. در جریان سه دهه جنگ در افغانستان، صدها هزار نفر جان خود را از دست دادند و حالا شماری از بازماندگان آن‌ها خواهان عدالت هستند. تظاهرات کنندگان شعارهای «عدالت می‌خواهیم»، «عاملان گورهای دسته‌جمعی مجازات شوند» و «عاملان اصلی حملات انتحاری باید محاکمه شوند» سر می‌دادند.

این تظاهرات روز یکشنبه، ۱۶ قوس ۱۳۹۳ در کابل به‌راه انداخته شد و مسئولان آن گفتند، هنوز حقوق بشر در کشور زیر پا می‌شود و زنان و کودکان، قربانیان اصلی جنگ هستند. ویدا احمد، رییس انجمن اجتماعی دادخواهان افغان و از برگزار کنندگان این تظاهرات گفت: «هنوز هم تجاوز بر کودکان وجود دارد. هنوز هم زنان مورد تجاوز قرار می‌گیرند. هنوز هم چور و چپاول وجود دارد؛ چون همان افرادی که در جنایات دخیل بودند، به نحوی در قدرت سهیم هستند؛ یا در پارلمان یا در وزارت‌خانه‌ها تکیه زده‌اند».

۴،۹۹

افغانی فی دقیقه

با ایران در تماس باشید

این هزینه از قبل فعال گردیده است - بدون فیس اضافی



افغان بی‌س‌وایر
Afghan Wireless

برای معلومات بیشتر به ۱۵۲ در تماس شوید یا پیام ارسال کنید
و یا به ۰۷۰۰ ۸۳۰ ۸۳۰ تماس بگیرید.

www.afghan-wireless.com

